

مبارزه با

دیگتاتورى نظامیان

در شیلی

جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)

دیجیتال کننده: نینا پویان

ترجمه: س. بهزاد



جنبش‌های آزادی‌بخش جهان (۲)

مبارزه با

دیکتاتوری نظامیان

در شیلی

جنبش چپ انقلابی شیلی «میر»

برگردان س - بهزاد

این سند در دسامبر سال ۱۹۷۴، وسیله کمیته مرکزی جنبش
چپ انقلابی شیلی (میر) نوشته شده.

انتشارات
چهارم

تهران - خیابان انقلاب بازارچه کتاب

مبارزه با دیکتاتوری نظامیان درشیلی

ترجمه : س بهزاد

چاپ اول : زمستان ۵۹

چاپ دوم : بهار ۶۰

با پژوهش

اشتباهات چاپی زیر را قبلاً "تصحیح نمائید".

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۴	۵	دوباره	درباره
۱۵	۰ ۴	سطح	سطح
۱۵	۱۴	امپریالستها	امپریالیستها
۱۹	۲۰	عمکردها	عملکردها
۲۸	۴	بکار گرفت	بکار گرفتند
۲۳	۲۴	شرکت کنند	شرکت کننده
۲۳	زیرنویس	بجای SIEGE	بجای STAGE OF SIAGE
			که ظاهراً "میبایستی"
			STATE OF SIAGE
			به معنی حکومت
			نظامی باشد.
۲۵	۴	دشمن گرد	دشمن گردد
۲۵	۱۰	خورد را	را خورد
۳۶	۲۲	جبهه	جبهه
۳۶	۲۲	زیرا را	زیرا
۴۲	۱۴	خود درباره	خود را درباره
۴۸	۹	درباره	دوباره

میر:

پشتاز مبارزه علیه دیکتاتوری نظامیان مرتجع ✪

بیش از پانزده ماه است که دیکتاتوری، کارگران شیلی را تحت فشار قرار داده است، درحالیکه صدها هزار نفر از مردم شیلی هر روز فقیرتر میشوند، مدام بر منافع اقلیتی که قدرت و ثروت در اختیار دارند می افزاید و جیب افسران ارشد و دیگر رجاله های بورژوا را که در حکومت شرکت دارند پر- میکند. دیکتاتوری دروغ میگوید و تهمت میزند، استثمار میکند و ستمکار است، شکنجه می دهد و آدم میکشد.

در برابر، خاق شیلی برهبری طبقه کارگر خود مبارزه ای سخت و طولانی را آغاز کرده است که تنها با سرنگونی دیکتاتوری، استقرار مجدد حقوق انسانی، اعاده دستاوردهای گذشته کارگران و مجازات جنایتکاران میتواند پایان یابد. این مبارزه تنها با تشکیل دولت جدیدی پایان خواهد یافت که نماینده منافع تمامی آن دسته از اقشار اجتماع باشد که با عزمی راسخ برای سرنگونی این دیکتاتوری ستمکار و جنایت پیشه مبارزه کرده اند.

مشتی زن و مرد، در صف مقدم این مبارزه طبقه کارگر، استثمارشوندگان

✪ نظامیان مرتجع بجای Gorila. اصطلاحی که در امریکای لاتین برای نامیدن این بخش از نظامیان بکار برده میشود، آورده شد.

و ستمکشان، قراردادارند، اینان از میان طبقه کارگر شیلی برخاسته و در جریان مبارزه روزمره طبقات و اقشار تحت ستم آبدیده شده‌اند. اینان اعضای جنبش چپ انقلابی، می‌رهنهند.

دیکتاتوری هرروز ادعا میکند که می‌را نابود کرده است، می‌گوید که می‌دیگر رهبری ندارد، که همه رهبران آن کشته یا دستگیر شده‌اند، که بازماندگان می‌رو فرار کرده و کارگران را بدست سرنوشته‌شان سپرده‌اند و باین ترتیب، هرروز دروغ می‌گوید و سعی میکند مردم را بفریبد.

نظامیان مرتجع، آرزوهایشان را با واقعیت اشتباه می‌گیرند و سعی می‌کنند با کلمات حقیقت را مخفی نمایند. این درست است که بسیاری از اعضای با ارزش می‌را دیکتاتوری بقتل رسانیده است، و این درست است که بسیاری دیگر دستگیر و بی‌رحمانه شکنجه شده‌اند، این نیز صحت دارد که تعداد کمی از اعضای مانده‌اند مخاطرات و دشواری‌های مبارزه مخفی را تحمل کنند. این افراد فراری شده، در صدد کسب پناهندگی سیاسی برآمده‌اند، و بعنوان فراری، به آرمان طبقه کارگر و تمامی مردم تحت استعمار شیلی خیانت کرده‌اند. (۱) با این وجود، می‌ر نه تنها به حیات خود ادامه می‌دهد، بلکه رشد نیز میکند. صدها و هزاران کارگر پیشرو از زمان کودتای نظامیان مرتجع تا کنون به حزب ما پیوسته‌اند. طبقه کارگر بنحو فزاینده‌ای بهترین عناصرش را در اختیار حزب ما قرار می‌دهد.

چنین است تاریخ احزاب انقلابی و مبارزه انقلابی پرولتاریا. گاهی بسیاری از اعضای با ارزش حزب دستگیر شده یا کشته می‌شوند اگر کار آنها مؤثر بوده باشد، اگر زندگی آنها صرف ایجاد يك سازمان واقعاً انقلابی شده باشد، مرگ آنان نیز بجای آنکه موجب عقب نشینی و یأس گردد، صدها و صدها کارگر پیشرو را و خواهد داشت که پرچم رفقای بخاک افتاده‌شان را بلند کرده و آنرا در نبردی قطعی علیه بورژوازی و عمالش هرچه برافراشته‌تر سازند.

شهدا و قهرمانان طبقه کارگر شیلی، اعضای می‌ر، نمونه‌های برجسته‌ای برای مردم امریکای لاتین و جهان بشمار می‌آیند، و خون آنان به‌مراه خون هزاران کارگر، دهقان، زن، جوان و حتی کودک، به مبارزه جاری در خیابانها و

روستاهای شبلی جان بخشیده است.
امروزه، صدها هزار نفر، زن و مرد و جوان به میر توجه داشته و بآن
رومی آورند تا صحیح ترین راه مبارزه جهت سرنگونی نظامیان مرتجع را بآنان
ارائه دهد. آنها می خواهند بدانند چگونه، خود نیز می توانند به مبارزه پیوندند تا
جای خالی رفقای بخاک افتاده مان را در صفوف انقلاب پر کنند.
بخاطر آنهاست که ما این جزوه کوچک را نوشته ایم تا باختصار سیاست
های میر و چگونگی پیوستن کارگران آگاه به صفوفمان را توضیح دهیم.

ده سال در بطن مبارزه خلق

میر سازمانی جوان است. این سازمان در اوت ۱۹۶۵ در نتیجه مبارزه‌ای پایه‌گذاری شد که از سال ۱۹۶۲ وسیله گروهی از رفقای جوان آغاز گردیده بود که می‌خواستند تشکیلاتی انقلابی را بنیان‌نهند. از ۱۵ اوت، ۱۹۶۵، عده‌ای جوان، اغلب دانشجوی، به رهبری رفیق میگوئل انریکو* و با تشکیلاتی کوچک مرکب از کسانی که در چپ سنتی شیلی همواره موضعی انقلابی داشته‌اند میر را تشکیل دادند.

سازمان جدید برنامه‌ای برای انقلاب پرولتری و یک استراتژی سیاسی نظامی برای تسخیر قدرت تدوین نمود. هر دو (استراتژی و برنامه) نقایص فراوان داشتند، اما تنظیم آنها در آن زمان، در کشور ما، که نفوذ فرمیسم و سانتریسم (۲) در طبقه کارگر تئوری مارکسیسم و لنینیسم را پیچیده و تحریف می‌کرد گامی بزرگ به پیش بود.

مهمترین ره‌آورد سازمان جدید این بود که هسته‌ای انقلابی تصور میشد که بواسطه آن حزب انقلابی پرولتاریای شیلی می‌توانست پایه‌عرضه گذارد. تا آن زمان همه آنها یک‌دیگر در چپ شیلی موضعی انقلابی داشتند، سیاست‌های حزب کمونیست و سوسیالیست را به سوءنیت و بی‌لیاقتی رهبران آنها نسبت می‌دادند و نمی‌خواستند بفهمند که سیاست‌های رفرمیست‌ها و سانتریست‌ها و عدم توانائی آنها در بدست گرفتن رهبری مبارزات قاطعانه توده‌ها به محدودیت‌های شخصی** اعضایشان

* Miguel Enriquez

** Personal Limitation

بستگی نداشته، بلکه نتیجه يك دوره ۵۰ ساله مبارزه طبقه کارگر و مردم شیلی در چهارچوبی قانونی و رسمی و دنباله روی حزب کارگران (حزب کمونیست) از سیاستهای جهانی اتحاد شوروی بود.

میر دریافت [عمدتاً بواسطه بصیرت رفیق میگوئل انریکو] که در آن شرایط، مبارزه در درون احزاب سنتی منجر به درگیریهایی شخصی بی حاصل و موجب ظهور دسته بندی هائی وسیله رهبران شخصیت طلب و دنباله روانشان خواهد شد که هیچیک کمکی به آرمان طبقه کارگر نخواهند کرد.

در شیلی مثل بیشتر کشورها که در آنها پرولتاریا نیرو گرفته است، لازم بود که بوضع انقلابیون را از غیر انقلابیون جدا نمود. لازم بود که سازمان انقلابی پیشروئی در پیوند تنگاتنگ با توده ها، منضبط و رزمنده، با دیدی انتر ناسیونالیستی و متشکل از کادرهای برگزیده، بوجود آید. تنها با وجود چنین سازمانی است که می توان در پی وحدت عمل با گروههای غیر انقلابی* بود.

باین ترتیب، راه طولانی ایجاد حزب انقلابی پرولتاریای شیلی آغاز گردید. ابتدا، سازمان جدید فقط در تعداد کمی از گروههای اجتماعی، اغلب دانشجویان، بعضی از بخش های طبقه کارگر و پاره ای از اجتماعات کارگری و زاغه نشینها میتواند فعالیت سیاسی توده ای را پیش برد. اما در هر مورد که میسر توانست به فعالیت سیاسی بپردازد سرعت موقعیتی در رهبری بسیج توده ای بدست آورد.

همه جا ما با سکتاریسم و دگماتیسم احزاب چپ سنتی مواجه بودیم که ضمن تلاش برای جلوگیری از شرکت مان در بسیج توده ای اعضای محدودمان را مورد آزار بدنی قرار میدادند. آنها از تمام کانال های موجود تبلیغاتی شان استفاده میکردند. تا سازمان جدید را بعنوان عامل بورژوازی و CIA و «محرکینی در خدمت دشمن»، بدجلوه دهند.

ما همچنین در درون خود سازمان نیز با سانسور است ها مواجه بودیم. بسیاری از کادرها که در بستر مبارزات درونی احزاب سنتی آموزش یافته بودند، نیا موخته بودند که مواضع انقلابی لفظی خود را با عمل انقلابی واقعی در آمیزند. در عوض، آنها روی پیش برد نوعی «وراجی سیاسی» پامی فشرده اند. آنان خود را «چاره

* Non Revolutionary

اندیشان*» چپ سنتی می‌پنداشتند و وقت حزب را بخاطر بحث‌های بی‌ثمری تلف می‌کردند که هیچ ارتباطی با وظایف واقعی رودرروی مانداشت.

در این میان میر ضمن کار در حوزه‌های جدید و رشد کادرها با تصحیح موفقیت‌آمیز تئوری و عمل انقلابی به گسترش خود در میان توده‌ها ادامه داد. در سال ۱۹۶۷ رفیق میگوئل انریکو دبیر کل حزب شد و حزب وظیفه عاجل تنظیم یک خط مشی سیاسی را پذیرفت، خط مشی که اقشار وسیع مردم را در اشکال رادیکال‌تر و مستقیم مبارزه حول خواسته‌های اقتصادی و سیاسی‌شان شرکت میداد.

باین ترتیب، میر ضمن بسیج و سازماندهی اکثریت ساکنان محلات فقیر نشین شهرهای بزرگ عملیات مستقیم** و پیروان نه‌نشینان را ارتقاء داد، ضمن افزایش کار سیاسی توده‌ای در بین کارگران، در مناطق روستائی به فعالیت سیاسی پرداخت، کار سیاسی در میان دانشجویان سراسر کشور را گسترش داد. در رابطه با مبارزه برای خواسته‌های عاجل کارگران و خلق دست به عملیات مستقیم زد و نیز برای کسب منابع مورد نیاز جهت تقویت حزب عملیاتی را طراحی نمود (۳)، این عملیات مستقیم، بوسیله مرتجعین بیش از تمام فعالیت‌های ما اشتهار یافت

دولت بورژوازی فشار شدیدی به میر وارد آورد. اما موفقیت‌های کمی بدست آورد زیرا، حزب در شرف کسب حمایت افشار وسیعی از مردم بود که کمک و حمایتش می‌کردند. همزمان، فعالیت فزاینده طبقه کارگر و توده‌ها، اعمال فشار، صرفاً روی میر را غیرممکن ساخت.

سانتریست‌ها خود بخود از حزب کناره گرفتند. اغلب آنها بعضی زودتر، عده‌ای برای حفظ ظاهر دیرتر بعنوان «چاره‌اندیشان انقلابی» به نقشی که در در احزاب چپ سنتی داشتند باز گشتند.

میر، تصفیه شده و نیرومند، نقش مهمی در مبارزات مردم که به پیروزی در انتخابات سال ۱۹۷۰ انجامید، ایفا نمود.

در دوره سه‌ساله حکومت چپ در شیلی، میر رشد کرده بین توده‌ها نیرومندتر شد. حزب بین کارگران ریشه دواند و رهبری بسیج دهقانان را در دست گرفت.

* Advisors

** Direct Actions

میر تبدیل به سازمانی انقلابی در صنف مقدم بسیج طبقه کارگر و خلق در سراسر کشور گردید و بی‌امان به مبارزه با اعمال ارتجاعی پرداخت. حزب تمام خطاهای دولت را افشاء نموده بآن اعتراض مینمود در صورتیکه، همزمان، از آن دسته از اقدامات دولت که سود کارگران بود قدردانی و پشتیبانی میکرد. حزب خصوصاً برای بهبود وضع تشکیلات و افزایش قدرت رزمی کارگران و توده‌های زحمتکش غیر پرولتر تلاش کرد. (۴) میر یک پلاتفرم سیاسی (برنامه خلق) ارائه داد (د) که نیازها و خواسته‌های عاجل مردم را بدقت نشان میداد، و بعنوان وسیله مؤثری برای هدایت مبارزه توده‌های تحت ستم و استثمار بسمت اشکال مناسب‌تر سازماندهی و مبارزه بکار می‌رفت. کوتاه کنیم میر، تمام توان خرد را برای افزایش قدرت توده‌ها، بهبود تشکیلات آنان، بالا بردن آگاهی طبقاتی و افزایش ظرفیت رزمی‌شان بکار برد.

اما نفوذ فرمیسم کارگری (اساساً از جانب حزب کمونیست) و سانتریسم چپ (خصوصاً از جانب حزب سوسیالیست) در میان توده‌های شیلی هنوز خیلی زیاد بود و علیرغم تلاش میر و جناحهای پیشرو پرولتاریا و خلق، دولت رفیق آئنده نشانه‌های روشنی از فرمیسم باخود داشت.

بجای کوشش مشخص برای پیش برد بسیج مستقل طبقه کارگر و توده‌ها، حکومت چپ به خواسته‌های دشمن تن در داد، مانع فعالیت توده‌ها شد، درصد اتحاد با بخشی از بورژوازی (حزب دموکرات مسیحی شیلی) برآمد، نیروهای مسلح را در حکومت سهیم کرد و گاه حتی از بسیج توده‌ای جلوگیری نمود. باین ترتیب، سیاستهای رفمیستی دولت رفیق آئنده نمیتوانست به وحدت در میان تمامی خلق نائل آید. اولاً تا آنجا که درصد اتحاد، با جناحهایی از بورژوازی بود و مانع بسیج مستقل توده‌ها می‌گردید، بین ناآگاه‌ترین بخش‌های توده (مثل بعضی از اقشار دهقانی، اقشار میانی، حاشیه نشینان شهرها، زنها و حتی کارگرانی که از دموکرات مسیحیها حمایت می‌کردند) وجود بعضی از فراکسیونهای بورژوازی را توجیه می‌نمود. ثانیاً بمیزانی که دولت تمایلی به برخورد قاطع با همه‌مرجعین رانداشت، بورژوازی دستش برای خشن‌ترین سابتاژ اقتصادی، ایجاد بازار سیاه و غیره باز بود. همه اینها کسب حمایت اقشار وسیعی از میان حالان را که تحت تأثیر وضعیت اقتصادی موجود بودند، برای آرمان

توده‌ها مشکل می‌ساخت. در نتیجه در مدت سه سال حکومت، چپ‌درشیلی مردم قادر نبودند که به اتحاد کامل برسند و در مقابل مرتجعین بورژوا که هر روز متحدتر می‌شدند موقعیت‌شان تضعیف شد.

بعلاوه، مردم از سال‌هایی که در طی آن می‌دیدند، رهبران سنتی‌شان (احزابی که در دولت اتحاد ملی شرکت داشتند) قادر به رهبری رادیکال‌ترین حرکات طبقه کارگر و توده‌ها نیستند، تجارب تلخی داشتند. این وضعیت بطور فزاینده‌ای از ژوئن تا اوت ۱۹۷۳ به‌نگامی که در سراسر شیلی مردم شجاعانه در مقابل حملات ارتجاع بسیج شدند بنمایش گذاشته شد. آنها اقتدار دیگری را پی‌می‌ریختند و سعی می‌کردند بهر طریق ممکن تهاجم راعقب برانند. در همین زمان رهبری ملی احزاب حاکم در حالیکه به بورژوازی تضمین داده و نیروهای مسلح را که سرگرم تدارک کودتا بودند، وارد دولت می‌کرد، در پی مشاوره و سازش بود. آنها حتی آماده بودند استعفای رفیق آلنده را پیشنهاد نمایند.

وجود این تضادها بین دولت و احزاب حاکم از یک طرف و پرولتاریا و خلق از طرف دیگر توده‌ها و چپ را تضعیف نموده مانع توانائی آنان برای بهبود بخشیدن به مقاومت در مقابل هجوم ارتجاع و کودتای نظامیان مرتجع بود. گرچه می‌ر مواضع سیاسی صحیحی داشت که با و این امکان را میداد که به توده‌ها نیروی بیشتری برای مقاومت در مقابل حملات ارتجاع بدهد، اما حزب کوچکی بود. می‌ر قادر نبود در همه جنبه‌ها (در کارخانه، مزارع، محلات، مدارس، ادارات موسسات و گروه‌های نظامی شیلی) وظیفه‌ی جانشینی رهبری سیاسی قدیمی را که ناتوانی خود برای هدایت توده‌ها در نبرد نهائی‌شان را نشان داده بود، به‌عهده بگیرد.

بعد از پیروزی نیروهای ارتجاعی، می‌ر نشان داد که ضمن داشتن پایگاه نسبتاً مناسب در بین توده، مواضع سیاسی صحیح، تجارب جامع مبارزاتی و کادرهایی که حاضر بودند در راه طبقه کارگر هر دقیقه عمرشان را نثار کنند و حتی با غش مرگ بشتابند، به سازمان انقلابی بالغی تبدیل شده است.

در مدت بیش از پانزده ماه از عمر دیکتاتوری می‌ر ضربات دردناکی را تحمل نمود رفیق میگوئل انریکو مؤسس و دبیر کل می‌ر ضمن درگیری با نیروهای فشار شهید شد. چند تن از اعضای کمیته سیاسی حزب، دستگیر شده یا زیر شکنجه جان

باخته‌اند. تعدادی از کادرها شهید یا دستگیر شده‌اند.

باید تلفات دیگر را نیز برشمردیم - قراربان حزب، خائنین به طبقه کارگر که از تحمل مخاطرات و فداکاری‌ها در زندگی مخفی عاجز بودند فرار کردند یا درصد کسب پناهندگی سیاسی برآمدند. اینها موارد نادری هستند، و چنین اشخاصی با تفاق آراء از طرف حزب و طبقه کارگر طرد شده‌اند. (۶)

اما علیرغم ضربات و فواریها میر سازمان چپی بوده که وسیع‌ترین و مؤثرترین کار توده‌ای را در شرایط دیکتاتوری توسعه داده است. میر از نظر درونی استحکام یافته، بعضی از بهترین کادرهای طبقه کارگر و چپ‌سنتی را در صفوف خود جذب کرده است. میر با طرح يك پلاتفرم مبارزه برای دوره اخیر که به وسیله تمامی خلق شیلی بعنوان پلاتفرم خود حزب شناخته شده، پروسه تجدید حیات و تجدید سازمان طبقه کارگر و خلق لهدایت و رهبری کرده است. و بالاخره حزب محکم‌ترین امید پرولتاریا و توده‌های زحمتکش غیر پرولتاری و دشمن سرسخت دیکتاتوری و ارتجاع شده است.

طبیعی است که دیکتاتوری موفقیت‌ها و پیشرفت‌های ما را استتار کرده و روی هر ضربه‌ای که برای پراکنده‌مان بما وارد میکند تبلیغات همه‌جانبه به راه می‌اندازد. دیکتاتوری در مبارزه‌اش علیه میر حتی موفقیت‌هایی اختراع میکند، اما کارگران بر اساس تجارب شخصی‌شان میدانند که میر ضمن گسترش فعالیت‌هایش در متنوع‌ترین حوزه‌ها، به حضورش در میان توده‌ها ادامه میدهد.

حزب علیرغم ضرباتی که بآن وارد میشود می‌تواند رشد کرده توسعه یابد. دقیقاً باین خاطر که جای هر رفیق بخاک افتاده را صدها نفر از بهترین زنان و مردان طبقه کارگر و خلق میگیرند، کسانی که به حزب مان می‌پیوندند، تا به وظیفه عظیم تبدیل میر به حزب پرولتاریای شیلی پردازند، حزبی که میتواند مبارزه برای شکست اولاً دیکتاتوری و آنگاه همه‌اشکال تسلط بورژوازی را بانجام رساند.

اساس نظرات سیاسی میر

میر تقریباً طی ۱۰ سال تجربه مبارزاتی نظرات سیاسی اش را بطور کاملاً دقیقی تکامل داده است. این سازمان از تفکر شاماتیک و بی توجهی به تئوری انقلابی که نتیجه نفوذ فرمیسم و سائتریزم در طبقه کارگر بود اجتناب کرده است. در اینجا خصوصاً، میخوامم با توجه به سه جنبه نظرات سیاسی مان: برنامه، استراتژی و نظریات درباره چگونگی تشکیل حزب انقلابی پرولتاریای شیلی به اساس نظرات سیاسی خود پردازیم

۱ - برنامه میر

از نظر میر، دلایل فقر و تنگدستی اکثریت عظیم مردم شیلی و استثمار و ستم غیر انسانی که به خلق ما وارد میشود، آنگونه که نمایندگان بورژوازی ادعا میکنند تنبلی، سستی و فقدان ابتکار در ماشلیائیها نیست. علت واقعی را باید در این واقعیت یافت که برای بیش از یک قرن (تقریباً از ۱۸۳۰) شیلی یک کشور سرمایه داری بوده که در آن عده کمی ثروتمند (سرمایه دار یا بورژوا) صاحب ابزار تولید (زمین، معادن، کارخانه ها و مؤسسات) بوده اند، هر چند که در همین زمان اکثریت عظیمی از مردم شیلی هیچ چیز نداشته و اجباراً نیروی کارشان را به سرمایه داران می فروخته اند.

اما در هیچیک از کشورهای سرمایه داری، کارگران با اندازه شیلی استثمار نمی شوند. گرچه فقر شدیدی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری (اروپا، امریکای شمالی و ژاپن) وجود دارد، اما کارگران این کشورها بهتر از کارگران

شیلی زندگی میکنند. علت این وضعیت اینست که شیلی فقط يك کشور سرمایه‌داری نیست بلکه يك کشور عقب مانده و وابسته نیز هست. شیلی نه فقط بوسیله سرمایه‌داران داخلی بلکه توسط سرمایه‌داران خارجی (امپریالیستها) نیز استثمار می‌شود. از اینرو کارگران شیلی شدیداً استثمار میشوند. از درآمد و سطح زندگی آنان کاسته می‌شود، تا کار آنان بتواند جیب‌های استثمارگران خارجی و داخلی را پر کند. در نتیجه این وابستگی، شیلی بصورت يك کشور عقب مانده درآمد است. (۷)

امپریالیستها بین کشورهای خود و کشورهای وابسته تقسیم کاری را بنیان گذاشتند. کشورهای وابسته فقط مواد خام و مواد غذایی تولید می‌کردند، حال آنکه تولید صنعتی از آن کشورهای امپریالیستی بود. بمدت یک قرن شیلی گندم و مواد معدنی تولید و صادراتی کرد درحالیکه تمام محصولات صنعتی مورد نیازش را از خارج می‌خرید. صنایع داخلی کشور توسعه نیافته باقی مانده بود.

کشورهای وابسته در نتیجه رشد منطقی سرمایه‌داری جهانی، بالاخره توسعه صنایع داخلی‌شان را آغاز کردند اما امروزه این نیر تحت کنترل امپریالیستهاست و با استفاده از ماشین‌آلات فرسوده و وسایل تولیدی خارج از آنان صورت می‌گیرد. بعد از ۱۹۳۰ با سرمایه‌ملی و با حمایت دولت، صنایع بسرعت در شیلی رشد کردند. اما از سال ۱۹۵۰ صنایع بمیزان زیادی تحت کنترل منافع خارجی درآمد.

عده‌ای عقیده دارند که میزان رشد سرمایه‌داری را در کشورهای عقب افتاده ارتقاء داد. اما تاریخ جهان بوضوح نشان داده است که این غیرممکن است، و فاصله بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و عقب افتاده پیوسته بیشتر می‌شود. تا وقتی که روابط وابستگی حفظ شود، هر گاه کشورهای مایک قدم بجلو بردارند، امپریالیستها پنج قدم برداشته‌اند.

تنها راه خروج از عقب ماندگی قطع وابستگی است. رفرمیستها عقیده دارند که طبقه کارگر در اتحاد با بعضی از جناحهای بورژوازی می‌تواند به وابستگی خاتمه داده و کشور را رشد دهد. اما آنها در اشتباه‌اند، چرا که فراموش می‌کنند که بورژوازی شیلی، از قرن گذشته در اتحاد تنگاتنگ و ضمن همدستی

با امپریالیسم رشد کرده است. گرچه درگیری‌های اتفاقی و عدم توافق با سرمایه خارجی وجود دارد، در نهایت منافع بورژوازی شیلی و بورژوازی خارجی (در شیلی) یکی است.

دولت فری* نمونه کاملاً روشنی از چنین وضعیتی را بار آورد. (۸) این دولت با وجود آنکه با اصطلاح مترقی‌ترین جناح بورژوازی را نمایندگی می‌کرد، سیاستهای ضد خلقی اتخاذ نمود و درها را برای قبضه کردن صنایع کشور بروی سرمایه‌های خارجی کاملاً باز گذاشت. وابستگی نمی‌تواند از ازین برود مگر اینکه همراه با قطع آن سلطه بورژوازی نیز نابود گردد، مگر اینکه توفیق بورژوازی پایان یابد.

تنها راه پایان دادن به عقب ماندگی و وابستگی شیلی بی‌افکنیدن اقتدار نوینی است به نام دیکتاتوری پرولتاریا. باید حکومتی کارگری ایجاد گردد تا به قدرت طبقه کارگر و خلق شیلی عینیت ببخشد.

هنگامی که قدرت به دست طبقه کارگر و خلق افتد آنان می‌توانند یک سیاست اقتصادی غیر وابسته برای پیشرفت کشور بنیان نهند و ساختمان سوسیالیسم را آغاز نمایند.

تا وقتی که حکومت و قدرت بورژوازی دست نخورده باقی بماند هر کوششی برای پیشرفت کشور محکوم به شکست است. ممکن نیست بدون برانگیختن مقاومت شدید تمامی طبقه سرمایه‌دار، بتوان به منافع هیچ یک از جناحهای سرمایه‌داری آسیب وارد آورد. ممکن نیست بتوان بدون برانگیختن خشم ضد انقلابی شرکای امپریالیسم، سرمایه‌داران بسومی شیلی، یک سیاست ضد امپریالیستی را پیش برد.

فقط انقلاب پرولتری یعنی تصرف قدرت توسط خلق برهبری طبقه کارگر می‌تواند وظیفه نجات کشور از عقب ماندگی و وابستگی را بانجام رساند و به استثمار و گرسنگی و فقر خلق شیلی پایان بخشد.

یک چنین انقلاب پرولتری مستلزم نابودی ماشین حکومتی بورژوازی و جایگزینی آن بوسیله ماشین حکومتی جدیدی است که منشأ آن تشکیلات کارگران و دهقانان مسلح باشد.

* Frey

برنامه میر میگوید: آنچه که شیلی بان نیاز دارد يك انقلاب پرولتری است، با تأکید بر این واقعیت که صفت مشخص این انقلاب می بایستی تصرف قدرت بوسیله پرولتاریای رهبری کننده توده های زحمتکش غیر پرولتر باشد. این واقعیت که انقلاب شیلی انقلابی پرولتری است بدین معنی نیست که خصلت اقتصادی آن انحصاراً همان خصلت اقتصادی انقلاب سوسیالیستی خواهد بود، بلکه این اصطلاح فقط ماهیت طبقاتی حکومت جدید را نشان میدهد.

درواقع با توجه به عقب ماندگی و وابستگی سرمایه داری شیلی، غیر ممکن است که بتوان سوسیالیزه کردن ابزار تولید را سریعاً بانجام رساند. باین دلیل، لازم خواهد بود که تحت حاکمیت پرولتاریا، وجود مستمر بعضی از دارایی های شخصی نزد خورده بورژوازی، بورژوازی متوسط و شاید بعضی از بخش های کوچک خود بورژوازی بزرگ را برای مدتی طولانی مجاز نمود.

بعلاوه، از آنجا که بعضی از کشورهای امریکای لاتین ما، نه تنها عقب مانده و وابسته بلکه کوچک نیز هستند، بنای يك اقتصاد سوسیالیستی و انتقال تمامی ابزار تولید به مالکیت اجتماعی ممکن نخواهد بود مگر اینکه حاکمیت پرولتاریا در چند کشور همسایه استقرار یابد. چنین شرایطی از این نظر ضروری خواهد بود که بتوان صنعت بسیار مدرن کالاهای سرمایه ای (تولید ماشین آلات) را که برای پیشرفت اقتصادی، خود کفا مورد نیاز است، توسعه داد. ساختمان سوسیالیسم در امریکای لاتین مرحله ای نیست که بتواند وسیله يك کشور منفرد به عهده گرفته شود، بلکه باید وسیله گروهی از کشورها، با هم، صورت پذیرد. مشکلاتی که انقلاب پرشکوه کوبا آنرا تجربه کرد دقیقاً ناشی از این مسئله است.

بدین ترتیب، برنامه میر انقلاب شیلی را يك انقلاب پرولتری توصیف میکند که در آن خلق برهبری پرولتاریا دولت بورژوازی را با توسل به قهر سرنگون نموده حاکمیت خویش را برقرار خواهد نمود.

برنامه متذکر میشود که این هدف تنها ضمن يك مبارزه طولانی انقلابی قابل وصول است. در چنین مبارزه ای فعالیت سیاسی توده ها همزمان با فعالیت نظامی شان، در شهر و روستا جریان خواهد یافت.

بر نامزدید میکند که حاکمیت نوین از میان اقصاء تحتانی جامعه سر بر خواهد

آورد و با حضور سازمان یافته کارگران و دهقانان مسلح محافظت خواهد شد. تشکیلات بنیادی حاکمیت پرولتاریا «شودهای ناحیه‌ای کارگران» خواهند بود که در سطحی اجرائی متشکل از نمایندگان تمام کارگران و با برابری کامل، به‌مراه «کنگره‌های ناحیه‌ای» مرکب از تمام مردم، که بالاترین تشکیلات در حیات سیاسی کشور خواهد بود، دایر می‌گردند.

همه کسانی که برای عضویت در این شوراهای انتخاب می‌شوند تا وقتی که از اعتماد کامل انتخاب کنندگان برخوردار باشند سمت‌شان را حفظ خواهند کرد. اما آنها همچنان کارگر بوده و همچنان حقوق کارگری دریافت خواهند نمود. بر نامه‌متذکر می‌شود با توجه به عقب‌ماندگی کشور، همچنین ماهیت قاره‌ای، که بنای سوسیالیسم در امریکای لاتین باید آنرا بپذیرد، شیوه اقتصادی که تحقق خواهد یافت بنحویر جسته‌ای سوسیالیستی خواهد بود. اما جناح‌های سرمایه‌داری برای مدتی در امور کوچک و متوسط اقتصادی باقی خواهند ماند. در بخش سوسیالیستی اقتصاد، «مسدیریت کارگران» (۱۰) و در بخش خصوصی «کنترل کارگران» (۱۱) اعمال خواهد شد.

بر نامه، ماهیت تغییراتی را که باید وسیله حاکمیت پرولتری در زمینه مسائلی چون بهداشت عمومی، فرهنگ، وسائل ارتباط جمعی، تأمین اجتماعی و غیره صورت گیرد، توضیح می‌دهد.

بر نامه، تأکید می‌کند که در امریکای لاتین نه تنها ساختمان سوسیالیسم بلکه همچنین مبارزه برای کسب قدرت در عرصه‌ای قاره‌ای صورت خواهد پذیرفت و ضرورت وحدت و فعالیت مشترک انقلابیون امریکای لاتین را متذکر می‌گردد. بر نامه، یک خط‌مشی سیاسی بین‌المللی غیر وابسته بر اساس تشریک‌مسانی با مبارزات انقلابی در سراسر دنیا و بخصوص قاره امریکای لاتین را پی‌ریزد. بالاخره بر نامه هیر خاطر نشان می‌سازد که پیروزی انقلاب پرولتری فقط در صورتی ممکن است که اکثریت پرولتاریای پیشرو دیک حزب انقلابی پرولتاریای شیلی متشکل شوند. در طول این پروسه وحدت عمل وسیع با احزاب کارگری غیر انقلابی و احزاب خورده بورژوازی، باید توسعه یابد. اما این وحدت هرگز نباید به‌بهای تبعیت سیاست‌های انقلابی از سیاست‌های احزاب غیر انقلابی صورت گیرد. بر نامه خاطر نشان می‌سازد با در نظر گرفتن موقعیت احزاب مردم* به‌نگام

* People's Parties

پیروزی انقلاب، آزادی وسیع اجتماعات و فعالیت برای آندسته از احزاب سیاسی که در واقع، جناحهای خلق را نمایندگی میکنند وجود خواهد داشت. طبیعتاً از آنجا که اهداف فوری مبارزه طبقه کارگر و خلق در پلاتفرم مبارزه نهفته است، این برنامه انقلاب پرولتری بحثی از آن نمی کند. (۱۲) با وجود این، رشد و توضیح دائم مفهوم برنامه انقلاب پرولتری شیلی و جستجوی وسیع ترین امکان برای اشاعه آن بین توده ها، طبقه کارگر و مردم را بشیوه ای انقلابی تربیت خواهد نمود. این عمل سطح آگاهی سیاسی توده ها را بالا برده و در مبارزه روزمره آنان کمک مؤثری خواهد بود.

۲- استراتژی میر:

طبقات حکم از کنترل ابزار تولید با فراتر میگذارند. از روزی که جامعه به بخشهای دارا و ندار تقسیم شد، طبقات حاکم ابزار خاصی را برای سرکوب توسعه دادند که ماشین حکومتی نام دارد.

ماشین حکومتی دو وظیفه اساسی دارد: اجرائی (وسیله عده ای از مستخدمین کشوری که از آغاز وظیفه آنان دریافت و پرداخت مالیاتها بود) و سرکوبگری (بدو، وسیله عده ای مسلح که آماده برای درهم کوبیدن هر کوششی جهت طغیان از طرف استثمارشوندگان و نیز کشورگشائی و کسب ثروت بودند). با گذشت زمان این ماشین حکومتی پیچیده و پیچیده تر شد. امروز ماشین سرکوب شامل نیروهای مسلح، پلیس و سیستم قضائی است در حالی که مدیریت عمومی کشور شامل ماشین حکومتی (رئیس کشور، کنگره)، مالیه و غیره است.

جوامع مدرن سرمایه داری ماشین حکومتی را با دادن عملکردها و ساختمان جدید به آن، تکمیل کرده اند. فرهنگ، مذهب و وسائل ارتباط جمعی به همراه اتحادیه های کارگری، انجمن های حرفه ای و آندسته از احزاب سیاسی که از سلطه بورژوازی دفاع، یا پیگرانه بآن اعتراض نمی کنند، بخشی از امکانات بورژوازی را تشکیل میدهند.

اهداف این ماشین غول آسا عبارتند از: اذیتن استثمارشوندگان به پذیرش وضعیت شان و در صورت تمرد سرکوب آنها با زور. باین طریق، کنترل

مطلقاً که وسیله بورژوازی روی اقتصاد و ماشین حکومتی اعمال میشود، با امکان میدهد که ضمن حفظ اشکال علنی دیکتاتوری برای مواقعی که حاکمیتش بخطر افتد، ظاهراً اشکال دموکراتیک تسلط را اعمال نماید.

این دموکراسی بورژوازی یک فریب است. این دموکراسی واقعاً دموکراسی برای بورژوازی و دیکتاتوری برای طبقه کارگر و خلق است. این دموکراسی در خدمت تثبیت رژیم بورژوازی است. مثلاً، انتخابات فقط بمردم امکان میدهد، نمایندگانی را که به حاکمیت خواهند رسید، انتخاب کنند. اگر مردم نماینده‌ای را انتخاب کنند که سیاستهای او در جهت تأمین منافع آنها باشد، طبقات حاکم ضمن توقیف فوری سیرک دموکراسی نمایشی و اعمال علنی دیکتاتوری‌شان، لحظه‌ای در استفاده از نیروهای سرکوب خود برای برکناری وی درنگ نخواهند کرد (مثل آنچه که در سبیلی اتفاق افتاد).

تخریب شدید ماشین حکومتی بورژوازی و جایگزینی آن با ابزار خاص تحکیم اکثریت بر اقلیت تنها راهی است که از طریق آن پرولتاریا می‌تواند دموکراسی واقعی و بلاواسطه خود را برقرار نماید. این حکومت پرولتاریا، دیکتاتوری پرولتاریاست. دیکتاتوری برای اقلیت سرمایه‌دار که در جهت تخریب سوسیالیسم مقاومت می‌کند. اما این دیکتاتوری یک دموکراسی واقعی برای اکثریت، برای پرولتاریا و خلق است.

بورژوازی با تمام توان اقتصادی، سیاسی و نظامی خود نه تنها با دیکتاتوری پرولتاریا بلکه با هر فرمی که منافع‌اش را در معرض خطر قرار دهد مقابله میکند. تا وقتی که بورژوازی قدرت سیاسی و اقتصادی‌اش را حفظ نماید، هر فرمی، بدون توجه باینکه چقدر ممکن است بنفع خلق باشد، می‌تواند نابود گردد. این موضوع در کشور ما در مورد فرمهای که در دوره حکومت رفیق آلنده صورت گرفت، اتفاق افتاد.

بنابراین، فقط رفرم کافی نیست، کسب اطمینان از اینکه استثمارگران نمی‌توانند آنرا نابود کنند نیز ضرورت دارد. تنها راه واقعی برای انجام رفرم، انقلاب بعنوان یک هدف است، و این یعنی تصرف قدرت وسیله کارگران و همه زحمتکشان. مبارزه برای رفرم باید با تکیه بر قدرت و بسیج توده‌ها

بروشی انقلابی صورت گیرد. از این طریق دستاوردهائی بیش از رفرم حاصل خواهد شد، باین ترتیب که ضمن گشودن راه برای تصرف قدرت، نیرو، آگاهی سیاسی و تشکیلاتی مردم و ظرفیت مبارزاتی آنان برای حفاظت از این رفرمها در مقابل حملات ارتجاع نیز افزایش خواهد یافت.

تجارب کشورهایى که در آنها پرولتاریا بقدرت رسیده، بوضوح نشان میدهد که تخریب ماشین حکومتی بورژوازی و جایگزینی آن وسیله دولت پرولتاریا، تنها از طریق انقلاب قهرآمیز امکان پذیر است. لذا، پرولتاریا و خانی باید خود را برای استفاده از تمام اشکال مبارزاتی در برخوردهای روزمره شان آماده سازند.

استراتژی انقلابی، دانش ترکیب نتایج برخوردهای محدود بین پرولتاریا و بورژوازی در پروسه ایست که سرانجام به کسب قدرت [پرولتاریا] منجر خواهد شد، این استراتژی يك استراتژی سیاسی-نظامی است که به وجه نظامی مبارزه طبقاتی، بعنوان نوعی ادامه و مکمل فعالیت سیاسی توجه دارد.

احزاب رفرمیست ماهیت سیاسی نظامی استراتژی پرولتاریا را پنهان میکنند. آنها به مبارزه صلح آمیز اهمیت میدهند و عملیات مسلحانه را تحقیر می کنند. جناحهای خورده بورژوازی نیز با تأکید روی عملیات مسلحانه و غفلت از اشکال غیر مسلحانه مبارزه متقابل اشتباه میکنند. هر دو اشتباه نتایج وخیمی برای آرمان طبقه کارگر در بردارد. استراتژی سیاسی نظامی پرولتاریا هر دو وجه مسلحانه و غیر مسلحانه مبارزه را بعنوان بخش های جدائی ناپذیر پروسه ای واحد در نظر میگیرد. این استراتژی اشکال مختلف مبارزه طبقاتی را با هم ترکیب و از نتایج آنها برای رسیدن به هدف استراتژیک کسب قدرت، استفاده میکنند.

مسائل اصلی استراتژی سیاسی-نظامی پرولتاریا عبارتست از چگونگی فایق آمدن بر پراکندگی و جدائی توده ها، ارتقاء سطح آگاهی سیاسی آنها و گسترش تشکیلات و ظرفیت رزمندگی آنان. همه اینها برای تبدیل توده های تحت ستم به نیروهای فعال اجتماعی دارای اهداف انقلابی باید انجام پذیرد. در سازماندهی این نیروهای اجتماعی انقلابی، حزب انقلابی پرولتاریا، باید محتاطانه از اشتباهات اکونومیسم و ماوراء چپ پرهیز کند. اکونومیسم کوششهایش را روی حفظ دستاوردهای جزئی، بدون آموزش سیاسی توده ها

متمرکز میکند. آگاهی [سیاسی] توده‌ها باین ترتیب تابع ایدئولوژی طبقه حاکم است. ماوراءچپ ضمن غفلت از خواسته‌های عاجل و توسل به اعمال احساساتی فقط به هدف نهائی فکر میکند.

میر از بدو پیدایش: سرسختانه برای طرح مجدد اصول استراتژی سیاسی-نظامی پرولتاریا در شیلی، که وسیله رفرمیسم، سانتریسم و انقلابیگری خورده بورژوائی‌رها شده و تحریف گشته بود، مبارزه کرده است.

پروسه ایجاد نیروی اجتماعی انقلابی پروسه یکنواختی که مستلزم پیشرفت مداوم نیروهای انقلابی و یسا عقب‌نشینی ممتد دشمن باشد نیست، برعکس در طول این پروسه می‌توان دوره‌های مختلفی را در مبارزه طبقاتی مشخص کرد. دوره‌های پیشرفت نیروهای انقلابی موقعی که درجه فعالیت طبقه کارگر و خلق افزایش یابد، و دوره‌های عقب‌نشینی، هنگامی که کاهش آشکار در میزان فعالیت آنها ظاهر شود بوجود می‌آیند. مثلاً بین سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۳ مبارزه طبقاتی در شیلی وارد یک دوره ماقبل انقلابی شد که در آن افزایش فوق‌العاده فعالیت سیاسی بخش‌های بسیار متنوع خلق بچشم می‌خورد. اکنون ما وارد یک دوره شکست می‌شویم که در آن دیکتاتوری بر سر راه هر نوع فعالیت علنی توده‌ها ایستاده است.

هر دوره مبارزه طبقاتی مشخصات ویژه‌ای دارد که با مشخصات دوره‌های دیگر فرق دارد. با توجه به هر دوره خاص حزب انقلابی پرولتاریا باید پلاتفرم مناسب مبارزه [آن دوره] را طرح و از اشکال مختلف سازماندهی و مبارزه سود جوید. با وجود این در هر دوره مبارزه طبقاتی، پیشرو انقلابی باید برای تقویت نیروهای اجتماعی انقلابی تلاش نموده و نه تنها به هدف خاص آن دوره بلکه همچنین به تأمین پیشرفت بیشتر مبارزه انقلابی نائل آید. بنابراین، برنامه حزب ضمن تأمین هدف نهائی، راهنمای عمل تعیین مناسبترین پلاتفرم مبارزه برای شرایط ویژه هر دوره مبارزه طبقاتی است. استراتژی حزب یک قالب عمومی است که معیار تعیین اشکال صحیح مبارزه و سازماندهی حزب و توده‌ها را در هر دوره آماده میکند.

استراتژی می‌رود هدف را دنبال میکند: خلع سلاح دشمن (بورژوازی خارجی و بورژوازی بومی شیلی و ماشین حکومتی آن) بنحوی که قادر

بادامه جنگ نباشد و تقویت نیروهای خودی (پرولتاریا و متحدانش: دهقانان، خرده بورژوازی، نیمه پرولترها، رده های پائین نیروهای نظامی). در ارتباط با این هدف ها، میرومچنین در پی خنثی کردن بعضی از جناحها است (اقتدار فوقانی بورژوازی کوچک و بورژوازی متوسط).

بعلاوه استراتژی میرحاوی نکات زیر است:

ایجاد نیروهای انقلابی فقط طی يك پروسه طولانی مبارزه توسط خود توده ها امکان پذیر است. این مبارزه بسته به مشخصات هر دوره مبارزه طبقاتی و قدرت طرفین مبارزه، صلح آمیز و توأم با قهر، قانونی و غیرقانونی، مسلحانه و غیرمسلحانه است.

در پروسه ایجاد نیروهای اجتماعی انقلابی، اشکال مسلحانه مبارزه نه تنها فقط بهنگام تصرف قدرت ضروری اند بلکه همچنین لازم است که بخاطر تربیت پرولتاریا و توده ها ضمن استفاده از قهر انقلابی جهت فرسودن و ازهم پاشیدن نیروهای دشمن و جذب رده های پائین ارتش، بطور همزمان و بتدریج آنها را شناساند.

مبارزه مسلحانه در شیلی يك مبارزه طولانی در شهر و روستا خواهد بود، گرچه مشخصات ویژه شیلی حاکی از اهمیت فوق العاده مبارزه مسلحانه شهری در آنست.

استراتژی ضمن اشاره به اشکال غیرمسلحانه مبارزه، خاطر نشان میسازد که این شیوه ها باید با دقت مورد توجه پیشروانقلابی قرار گیرند. شیوه های یاد شده بخاطر سنت طولانی مبارزه رسمی نقش مهمی در کشور بازی میکنند. کوشش اصلی پیشروانقلابی در این پروسه جذب پرولتاریای پیشرو و یافتن پیوند تشکیلاتی با آن بدون غفلت از کار سیاسی در میان بخش های دیگر زحمتکشان خواهد بود.

در مراحل نهائی این پروسه طولانی گردآوری نیروهای انقلابی، اشکال متعدد يك قدرت توده ای آلترناتیو ظاهر خواهد شد. این اشکال نوین قدرت، بذره ای حکومت پرولتاریا خواهد بود که بوسیله نیروهای مسلح پرولتاریا و خلق حمایت میشوند.

مرحله گردآوری نیروهای انقلابی فقط در صورتی موفقیت آمیز خواهد

بود که حزب انقلابی پرولتاریای شیلی ایجاد شده باشد و این حزب مبارزه‌ای قاطع اما برادرانه را در میان توده‌ها، علیه نفوذ رهبران رفرمیست و سانتریست دامن زند.

بالاخره استراتژی خاطر نشان می‌سازد که مبارزه سیاسی و اقتصادی کارگران شیلی بایستی با مبارزه زحمتکشان دیگر کشورهای امریکای لاتین تکمیل گردد و به مبارزه از لحاظ توان، شخصیتی قاره‌ای بدهد. بعلاوه همکاری و فعالیت مشترک با جنبش‌های خلقی و انقلابی سراسر جهان و نیز احزاب و حکومت‌هایی که سرگرم بنای سوسیالیسم هستند باید افزایش یابد.

۳- تشکیل حزب انقلابی پرولتاریای شیلی

طبقه کارگر شیلی، مهمترین بخش خلق شیلی را تشکیل می‌دهد با وجود شیوه تولیدی که در آن استثمار می‌شود (از طریق خروج ارزش اضافی)، این طبقه سرسخت‌ترین دشمن سرمایه‌داری است. اهمیت طبقه کارگر بدلیل اینکه این طبقه در کارخانه‌ها، معادن و مزارع تمرکز یافته و بخاطر اینکه بخش‌های تعیین‌کننده اقتصادی نمی‌توانند بدون وجود آن دایر باشند، بیشتر از بقیه استثمار شوندگان است. چون طبقه کارگر به کار جمعی در کارخانه‌ها عادت کرده آمادگی بیشتری برای فعالیت سازمان یافته دارد. این طبقه بخاطر وضعیت رقت بار و سطح زندگی، هیچ چیز ندارد که از دست بدهد. اما دنیار ابدست می‌آورد. بنا بر همه این دلایل طبقه کارگر پیشرو خلق، آگاه‌ترین و مصمم‌ترین بخش آن طبقه به تمام معنی انقلابی است.

بخش‌های دیگر خلق نیز منافع در انقلاب پرولتاری دارند. اما بدلیل جوهر شرایط زندگی‌شان. آنها برای فداکاری، پشت‌کار و پذیرش تشکیلات. ظرفیت پرولتاریا را ندارند و با آسانی فریب سیاستمداران بورژوازی را می‌خورند. گرچه پرولتاریا با این واقعیت که تولیدکننده ارزش اضافی است مشخص می‌گردد. ولی یک توده همگون نیست. و از آنجا که در رشته‌های متنوع تولید کار می‌کند. قلمروهای اقتصادی اشتغالش ابعاد مختلف دارد و... تفاوت‌هایی زیادی در آن دیده می‌شود.

چگونه پرولتاریا می تواند ضمن مبارزه علیه استثمارگران به وحدت طبقاتی دست یابد؟

مبارزه بخاطر منافع اقتصادی آن خود بخود کافی نیست. برعکس، این شیوه، منشأ پراکنندگی در صفوف پرولتاریاست که بورژوازی ماهرانه از آن سود می برد. بعلاوه، فرهنگ، عقاید مذهبی و غیره در خدمت تشدید این اختلاف در گفتار و کردار قرار دارند. با این وجود اتحاد عمل پرولتاریا برای ایفای نقش پیشرو در مبارزه خلق بر علیه بورژوازی ضروریست، و این اتحاد تنها از طریق تجربه مبارزه سیاسی انقلابی قابل وصول است.

چگونه کارگر می تواند در شرایطی که امکان بسیار اندکی برای مطالعه دارد و باید سخت کار کند، اهداف مبارزه را بشناسد؟ مبارزه برای خواسته های فوری، طبقه کارگر را مستقیماً به مبارزه برای انقلاب و سوسیالیسم سوق نمی دهد. برعکس شکست ها و آهنگ کند پیروزیها می تواند کارگر را باین نتیجه برساند که راهی برای پایان دادن به بدبختی هایش موجود نیست و مبارزه بیهوده است. این اندیشه ها که بورژوازی وسیعاً آنرا اشاعه میدهد در این گفتار قدر گرایانه خلاصه میشود که «همیشه فقیر و غنی وجود داشته اند»، و بهمراه آن، مذهب برای در بهشت را مطرح میکند.

بنابراین، تجربه، بننهایی برای رسیدن به جمع بندی صحیح از مبارزه طبقاتی کافی نیست. ما به اطلاعات و دانش مارکسیسم لنینیسم، سوسیالیسم علمی، نیاز داریم.

سوسیالیسم علمی دانشی است که بوسیله مارکس، انگلس و لنین و بسیاری از انقلابیون و رهبران پرولتاریای جهان بر اساس تجارب عملی پرولتاریا و مبارزاتش تکامل یافته است. آنها با استفاده از پیشرفته ترین اطلاعات اقتصادی، تاریخی و سیاسی و فلسفی بشر این تجارب را بررسی کرده اند. این علم در مبارزه پرولتاریا یک وسیله ضروری است و همه کارگران با ایثار و اراده باید آنرا بیاموزند.

برای مبارزه انقلابی، حزب انقلابی پرولتاریا یک ضرورت مطلق است زیرا چنین حزبی، تشکیلاتی است که عناصر پیشرو کارگری را متشکل میکند. این عناصر پیشرو تجارب عملی شان از مبارزه طبقاتی را با درک صحیح از

سوسیالیسم علمی ترکیبی می کنند. حزب انقلابی پرولتاریا حاصل تلفیق تئوری و عمل انقلابی است. این حزب نشانگر آگاهی و فعالیت هماهنگ طبقه کارگر و خلق است. این حزب مبارزات بسیار متنوع توده‌ها را هدایت و مبارزه انحصاراً طبقاتی را بطرف هدف پرولتاریا و تمام زحمتکشان - تصرف قدرت - سوق می‌دهد.

حزب انقلابی پرولتاریا یک سازمان پیشاهنگ، در پیوند تنگاتنگ با توده‌ها، رزمنده و مجرب، با انضباطی آهنین، کادرهای برگزیده و دیدی انترناسیونالیستی است.

این حزب یک سازمان پیشاهنگ پرولتاریاست، بعبارت دیگر این حزب دارای یک برنامه، استراتژی، تئوری تشکیلاتی و خط مشی سیاسی است و تاکتیکهایی که امکان پرداختن بآنها را باو می‌دهد. حزب شرایط عینی مبارزه طبقاتی را بنحوصحیحی تفسیر و اهداف صحیح آنرا برای طبقه کارگر و خلق مطرح می‌کند. این مشی پیش از آنها از طریق مبارزه بی‌امان علیه انحرافات رفرمیستی و سانتریستی موجود در جنبش کارگری و توده‌ای می‌تواند بنا گردد. حزب انقلابی پرولتاریا، یک سازمان پیشاهنگ پرولتاری در پیوند تنگاتنگ با توده‌هاست و این بدین معنی است که حزب توانسته است از نظر تشکیلاتی خود را با اکثریت کارگران پیشرو، و از آن طریق با اکثریت طبقه کارگر و خلق پیوند دهد و این پیوند طی یک پروسه طولانی که در آن کارگران و خلق بر پایه تجارب شخصی خود و باعتبار سیاستهای انقلابی در حال آموختن بوده‌اند، برقرار شده است.

این حزب یک سازمان پرولتاری پیشاهنگ است، در ارتباط تنگاتنگ با توده‌ها، رزمنده و مجرب و قادر به استفاده از تمام اشکال مسلحانه و غیرمسلحانه مبارزه در وضعیت‌های بسیار متنوع است. بنا بر این رزمندگان باید کادرهای انقلابی تمام عیار بوده از لحاظ تئوریک، ایدئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی، نظامی، تکنیکی و اخلاقی پیشرفته باشند. آنها باید بتوانند در هر لحظه و در هر مقطع از جنبش توده‌ها نقش‌شان را بعنوان رهبر، سازمانده و معلم آنها ایفا نمایند. برای دستیابی به چنین موقعیتی واضح است که حزب انقلابی باید یک سازمان سیاسی نظامی باشد.

حزب انقلابی پرولتاریا يك سازمان پیشاهنگ، درارتباط تنگاتنگ با توده‌ها، رزمنده و مجرب و با انضباطی آهنین است. این انضباط آهنین تمام‌توان اعضای حزب را بطرف يك هدف مشترك سوق خواهد داد.

این انضباط يك انضباط آگاهانه است که از اعتقاد عمیق به صحت‌مشی سیاسی حزب و آندسته از تجارب روزمره مبارزاتی که استراتژی و تاکتیک‌های حزب را محک میزنند ناشی میشود. این انضباط نقش خود را با توجه به سائترالیسم دمکراتیک در درون حزب ایفا میکند. سائترالیسم دموکراتیک سخت‌ترین دیسیپلین‌ها را با بیشترین دموکراسی داخلی درهم می‌آمیزد؛ با برقراری آن وحدت عمل محکم با آزادی کامل بحث و انتقاد از کانالهای مناسب تشکیلاتی ترکیب میشود.

حزب انقلابی پرولتاریا يك سازمان پرولتاری پیشاهنگ است که در پیوند تنگاتنگ با توده‌ها، رزمنده و مجرب، منضبط و متشکل از کادرهای برگزیده است، متشکل از بهترین بهترین‌ها. چنین وضعیتی به حزب اجازه میدهد که همزمان با تأمین بقاء و رشد خود حتی درسخت‌ترین لحظات و ظایفش را بر پایه صحیحی تعیین کند. باین منظور در حوزه‌ها (کارگری، دهقانی، دانشجویی و غیره) حزب به گروه‌های پایه و سلول‌های تقسیم شده سازمان‌یافته است. يك سلول عبارت از تعداد اندکی از اعضای حزب است که خط‌مشی سیاسی حزب را در درون آن حوزه بکار می‌بندند.

بالاخره حزب انقلابی پرولتاریا يك سازمان پرولتاری پیشرو در پیوند تنگاتنگ با توده‌ها، مجرب و منضبط، متشکل از کادرهای برگزیده و با دیدی انترناسیونالیستی است. زیرا روشن است که فقط تصرف قدرت بوسیله پرولتاریا در سراسر امریکای لاتین می‌تواند موفقیت انقلاب پرولتاری کشورمان را تضمین کند. فقط تصرف قدرت وسیله پرولتاریای سراسر جهان می‌تواند بنای سوسیالیسم و کمونیسم را تضمین نماید.

بدون حزب انقلابی، هیچ انقلاب پرولتاریائی ممکن نیست. تقریباً سال قبل میروارد راه طولانی مبارزه شد تا به حزب انقلابی مورد نیاز لتاریای شیلی تبدیل شود.

مبیر ومقاومت توده‌ای در مقابل دیکتاتوری

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ بورژوازی داخل وخارج مزدوران‌شان، گروه افسران نیروهای مسلح را برای سرنگونی رفیق‌سالوادور آلنده در يك کودتای خشن وخونین وبرای برقراری يك دیکتاتوری نظامی بر پایه سیاست‌های ضد خلقی، ظلم وكشتار بكار گرفتند.

ماهیت دیکتاتوری نظامی

دیکتاتوری نظامی‌شیلی با توجه به بحران اقتصادی وویژگی درگیری-های درونی بورژوازی آن‌که از سال ۱۹۶۷ گریبانگیرش بود، بعنوان تنها راه حل ممکن بورژوازی در مقابل پیشرفت جنبش توده‌ای و کارگری ظاهر شد. درگیری وتضاد بین جناحهای مختلف بورژوازی ریشه در بحران طرح توسعه اقتصادی دارد که از سالهای ۱۹۴۰ در شیلی بكار گرفته شده بود و هدفش تعیین وتحمیل يك طرح جدید توسعه اقتصادی بود. طرح جدید بعضی از جناحهای بورژوازی (بورژوازی بزرگ بزرگ ملی وسرمایه خارجی) را مورد حمایت قرار میداد ومنافع بعضی از جناحها دیگر (بورژوازی وابسته بزمین وبورژوازی صنعتی در ارتباط باتولیدکالاهاى مصرفی) را بمخاطره می‌افکند.

دولت دموکرات مسیحی (۱۹۷۰ - ۱۹۶۴) تلاش میکرد این پروسه اعمال هژمونى سرمایه بزرگ داخلی وخارجی را آغاز کند. شکست این دولت

همزمان با فعالتر شدن توده‌های زحمتکش، درگیری بین فراکسیونهای مختلف بورژوازی را تشدید کرد.

انتخاب رفیق آلنده به فعالیت توده‌ها افزود، درگیری‌ها و تضادهای درونی طبقه حاکم را افزایش داد و با ابتلاء ماشین دواتی بورژوازی به بحران، رسمیت یافتن بحران طبقه حاکم را اعلام نمود.

بورژوازی، با توجه به تشدید تضادهای درونی خود و افزایش فعالیت توده‌ها چاره دیگری جز استقرار یک رژیم دیکتاتوری نداشت که از آن طریق جنبش توده‌ای را سرکوب و درگیری درونی بورژوازی را بروشهای غیرسنتی (یعنی خروج از احزاب سیاسی و پارلمان و غیره) سوق دهد.

از ۱۱ سپتامبر، فرماندهی کل نیروهای مسلح نه تنها پناه بورژوازی بلکه نماینده سیاسی‌اش گردید. مکانیسم‌های سنتی مورد استقاده بورژوازی بزرگ برای نمایندگی سیاسی کاملاً در بحران فرورفته بود. در نتیجه، بورژوازی بزرگ به گروه افسران نیروهای مسلح این حق را داد که نمایندگی سیاسی‌اش را بعهده بگیرند و بعنوان نمایندگان منافع عام فراکسیونهای مختلف بورژوازی بزرگ عمل کنند.

این موضوع - که نیروهای مسلح بعنوان نماینده منافع عام بورژوازی بزرگ خدمت میکنند - یک ویژگی است که به شخص این امکان را میدهد که دیکتاتوری نظامی شیلی را از رژیم‌های فاشیست تشخیص دهد. در حکومت فاشیستی، خود دستگاه نظامی تابع قدرت هژمونیک موجود یک فراکسیون بورژوازی است که نمایندگی سیاسی خودش - حزب فاشیست را داراست. در شیلی، افزایش بحران در طبقات حاکمه در همان زمان که جنبش کارگری به استحکام خود تداوم می‌بخشید با تشدید بحران اقتصادی داخلی و خارجی همراه گردید. این عوامل ضمن اینکه به منافع جناحهای دیگر بورژوازی لطمه وارد می‌ساخت، مانع یک فراکسیون بورژوازی بزرگ وابسته به سرمایه خارجی برای اعمال کنترل کامل بود، بنابراین دیکتاتوری نظامی تنها راه‌حلی بود که به طبقات حاکم امکان میداد تا جبهه مشترکی در مقابل طبقه کارگر و خاق تشکیل دهند. هر راه‌حل «دموکراتیک» که سلطه بحران پیشین را ابقا می‌نمود، فقط بحران درونی بورژوازی را تشدید میکرد.

دیکتاتوری نظامی دو هدف اساسی داشت. اول، حل بحران اقتصادی با سمت‌دهی دوباره اقتصاد ملی از طریق تولید برای بازار صادرات. دوم، ایجاد شرایطی برای حل بحران درونی بورژوازی از طریق اعمال همگونی سرمایه‌داری بزرگ شیلی که وابسته به سرمایه خارجی است

بهر حال، مسائلی در مقابل دیکتاتوری قرار دارند و باعث بی‌ثباتی آن می‌شوند. این مسائل شامل بحران جهانی سرمایه‌داری که در سال گذشته تشدید شد، عمق بحران سرمایه‌داری شیلی و مقاومتی که جنبش کارگری علیه فشار هنوز از خود نشان می‌دهد، می‌باشد. بعلاوه فرکسیون‌های متعددی از بورژوازی بزرگ هنوز در رهبری دیکتاتوری سهیم‌اند.

پرولتاریا و توده‌های خلق باید از تضاد موجود در درون بورژوازی، نه از طریق جستجوی متحدین بین جناح‌های با اصطلاح مرفقی آن که ظرف امروز تا فردا خود را خواهند فروخت بلکه با افزایش مقاومت خود و کاهش ثبات دیکتاتوری، استفاده کنند.

مبارزه توده‌ای زیر یوغ دیکتاتوری

کودتای نظامی ۱۱ دسامبر ۱۹۷۳ و فشار بی رحمانه‌ای که بعد از آن از جانب دیکتاتوری اعمال شد شکست سنگین طبقه کارگر و خلق را نشان می‌دهد. اما آنها نتوانسته‌اند قدرت طبقه کارگر و خلق را نابود کنند. ارزیابی صحیح از میزان شکست و چشم اندازهای مبارزه، می‌رود و داشتن تائیدی رهبری عقب نشینی توده‌ها و آغاز تجدید سازمان نیروهای کارگری و خلقی برای نبردهای آتی در کشور باقی بماند.

بخش‌های مهمی از طبقه کارگر و توده‌ها ضمن اینکه روزها و هفته‌ها علناً جنگ‌یدند با قاطعیت علیه کودتای ۱۱ سپتامبر نظامیان مرتجع مبارزه کردند. آنها علیرغم برتری، نیروهای مخرب دشمن و پراکنندگی رهبری سیاسی چپ سنتی در این نبرد شرکت کردند.

بعد از شکست عمومی، و زمانیکه عقب‌نشینی جنبش توده‌ای آغاز شد، پرولتاریای پیشرو به تجربه دریافت که هر نوع مبارزه علنی سرکوب خواهد شد و باید راه‌های جدیدی برای مبارزه علیه دیکتاتوری بیابد.

ابتدا پرولتاریای پیشرو و سپس بقیه توده‌ها امکان ادامه مبارزه با استفاده از چارچوب‌های تنگ قانونی را که هنوز وجود داشت دریافتند. هم‌زمان، هر دو به‌ضرورت ایجاد یک سازمان توده‌ای مخفی که ستون فقرات مبارزه علیه دیکتاتوری را تشکیل می‌داد و همه اشکال دیگر مبارزاتی و تشکیلاتی را با هم پیوند داده و هدایت می‌نمود، آگاهی یافتند.

باین طریق اتحادیه‌ها، اجتماعات و مؤسسات صنعتی ضمن اعمال فشار بر رهبران سازشکار یا آنهایی که بوسیله دیکتاتورهای در پست‌های خود ابقاء شده بودند پا به عرصه نهادند. سازمانهای نیمه‌علنی که به دفاع از زندانیان سیاسی، کمک به بیکاران، بیوه‌ها، کودکان یتیم و غیره اختصاص یافته بودند، افزایش یافتند. کمیته‌های مخفی مقاومت Comites de Resistencia متشکل ۳، ۵ یا ۷ عضو در کارخانه‌ها، مزارع، مدارس و محلات فقیرنشین و غیره بوجود آمدند. همه این اشکال سازمانی، جنبش مقاومت توده‌ای را تکمیل می‌کنند. این کمیته‌ها واحدهای اساسی جنبش مقاومت توده‌ای هستند.

این فرم‌های جدید تشکیلاتی و نوع مبارزه‌ای که آنها پیش می‌برند (تاکتیک‌های فشار از طرف سازمانهای علنی؛ مسئولیت‌های اجتماعی از طرف سازمانهای نیمه‌علنی؛ معرفی سازمان، آژیناسیون، سازماندهی، بایکوت ساבוژهای کوچک و غیره از طرف کمیته‌های مقاومت) از ۱۹۷۴ ابعاد عظیمی یافت. در آن زمان جنبش نوظهور مقاومت توده‌ای و میرحملات تبلیغی و آژینا-سیون و سبعی را گسترش دادند.

از آن لحظه به بعد فعالیت و میزان مقاومت با اشکال مختلف، بخصوص در کمیته‌های مقاومت، افزایش یافت و بدینوسیله انتقال از مرحله تجدید سازمان و تجدید فعالیت جنبش توده‌ای به مرحله مقاومت فعال پی‌ریزی شد. در مدت مقاومت فعال، بایکوت و فعالیت‌های تخریبی کوچک افزایش و توسعه خواهند یافت، تبلیغ مسلحانه گسترش یافته و تمام کارگران پرولتر و غیر پرولتر برای اشکال عالیتر مبارزه آماده خواهند شد.

پلاتفرم مبارزه برای دوره اخیر

یکی از عناصر اساسی تاکتیک‌های میر در مبارزه علیه دیکتاتورهای پلاتفرم مبارزه برای دوره اخیر است که اهداف سیاسی و تشکیلاتی پرولتاریای انقلابی را خلاصه می‌کنند. این پلاتفرم که جنبش مقاومت توده‌ای و تمامی خلق آنرا بعنوان مشی خود پذیرفته‌اند، چهار هدف اساسی دارد که عبارتند از:

* بجای Solidarity

(A) برقراری مجدد آزادهای دموکراتیک و احترام به حقوق انسانی
 به معنی پایان دادن به آزارها، دستگیری‌ها و شکنجه‌ها و کشتارها؛ آزادی فوری زندان-
 نیان سیاسی؛ مجازات شکنجه‌گران و قاتلین؛ پایان دادن به مرحله محاصره و اقدامات
 مربوط به «امنیت داخلی»، بازگشت بی قید و شرط آزادی اندیشه، عقیده،
 بیان، مجلس مقننه، دادخواهی، سازمانها، مطبوعات و برداشتن تمام موانعی که
 که فعالیت تمام اتحادیه‌ها و سازمانهای صنفی و اجتماعی و غیره را محدود
 می‌کنند.

(b) دفاع از سطح زندگی * * * توده‌ها - پایان دادن به سیاستهای اقتصادی
 ضد خلقی؛ واگذاری زمین‌های زراعی و اموری که در دست سرمایه‌داران است
 به بخش دولتی؛ کنترل قیمتها. پایان دادن به کاهش ارزش چو * * *؛ تعیین يك
 دستمز حد اقل، پاداش و مدد معاش برای کارگران که قدرت خریدی را که آنها در
 زمان حکومت آلنده داشتند با آنها باز گرداند. جلوگیری از اخراج و بیکاری، تجدید
 نظر در حقوقی ماهانه متناسب با افزایش هزینه زندگی و تعیین پاداش که کاهش
 ماهانه قدرت خرید را جبران نماید. تجدید فعالیت بی قید و شرط اتحادیه‌ها، و
 سازمانهای صنفی و اجتماعی، بازگرداندن حق انتخاب آزاد و حق اعتصاب به
 اتحادیه‌ها.

(c) سرنگونی دیکتاتوری و تشکیل دولتی جدید. این هدف اساسی تنها
 از طریق قهر سازمان یافته طبقه کارگر و خلق طوسی جنگی طولانی قابل وصول
 است. بعد از سرنگونی دیکتاتوری، يك دولت موقت بوسیله تمام جناحهای
 اجتماعی و سیاسی که فعالانه در مبارزه شرکت داشته‌اند تشکیل خواهد شد.
 منظور از تشکیل این دولت موقت بانجام رساندن دو نکته اول این پلاتفرم
 مبارزاتی، تشکیل مجلس مؤسسان تمامی خلق و تضمین کاملترین آزادی برای
 تبلیغ توده‌ای، تشکیلات و مبارزه خواهد بود. کاراکتر طبقاتی دولت جدید و
 ترکیب رسمی این مجلس مؤسسان در ارتباط با نیروهای شرکت کننده در بلوکی
 تعیین خواهد شد که دیکتاتوری را سرنگون خواهد کرد.

* بجای STAGE OF SiAGE نظام ریاستی STATE of SiAGE به معنی

** بجای Standard of Living

حکومت نظامی باشد.

*** peso واحد پول شیلی

d) سازماندهی و گسترش جنبش مقاومت توده‌ای؛ سرگونی دیکتاتوری تنها با ایجاد يك جنبش توده‌ای وسیع توسط توسط طبقه کارگر و خلق ممکن خواهد بود، که با فائق آمدن بر محدودیت تشکیلات کارگری و سیاسی سنتی می‌تواند مبارزه سیاسی و نظامی توده‌ها در مقابل دیکتاتوری را به پیش برد.

واحدهای اساسی جنبش مقاومت توده‌ای، کمیته‌های مقاومت، گروه‌های کوچک زیرزمینی متشکل از اعضای احزاب مختلف چپ و کارگران غیر وابسته هستند که بطور دموکراتیک وظایفی را که انجام خواهند داد تعیین میکنند.

راه پیروزی

شکی نیست که دیکتاتوری شکست خواهد خورد و خلق، پیشاپیش آن پرولتاریا به اهداف پلاتفرم مبارزاتی دوره اخیر خواهند رسید، اما این شکست بسرعت بوقوع نخواهد پیوست. بلکه طی يك پروسه طولانی مبارزه مسلحانه و غیرمسلحانه، علنی و غیرعلنی، قانونی و غیرقانونی پرولتاریا و توده‌ها ممکن خواهد بود.

با نیرو گرفتن تدریجی طبقه کارگر و خلق در این مرحله از مبارزه، اشکال مسلحانه مبارزه ممکن است اهمیت یافته و بخش‌هایی از جنبش توده‌ای بتوانند مستقیماً در آن شرکت جویند. همزمان، با استفاده از قدرت یابی خلق و ضعف دیکتاتوری، اشکال غیرمسلحانه مبارزه علنی (اعتصابات، توقف کار، حتی تظاهرات) افزایش خواهد یافت. بعد از این پرولتاریا و خلق باید آماده شوند تا نیروهای را که در مبارزه آبدیده شده‌اند (جنگجویان شهر و روستا، و دسته‌های منظم نظامی و غیره) به ارتش منظمی تبدیل نمایند که بتواند نیروهای مسلح دیکتاتوری را شکست دهند.

عده‌ای خیال میکنند که این راه طولانی ضرورتی ندارد و اینکه بجای آن در احضات نامعلومی تمامی خلق ضمن يك اعتصاب عمومی و جنگ خیابانی شورش خواهند کرد و باین طریق دیکتاتوری شکست خواهد خورد. آنها که چنین فکری کنند واقعاً امتناع خود را از تدارک شرایط وقوع این شورش مردمی و موفقیت آن پنهان می‌کنند.

ما اعتقاد داریم که تقریباً بطور قطع، جنگ سرد نوشت در نبرد طولانی غلبه
دیکتاتوری، قیام توده‌ها خواهد بود، امامی دانیم که برای موفقیت، این قیام
بایستی طی یک جنگ طولانی وسیله خود توده تدارک شود، جنگی که
موجب پراکندگی و شکاف در نیروهای نظامی دشمن گردد. در این پروسه توده‌ها
سطح تشکیلات و ظرفیت جنگی خود را بالا برده و نیروهای نظامی انقلابی
خود را تشکیل خواهند داد و قادر به مقابله با نیروهای مسلح دیکتاتوری خواهند بود.
برای انجام این نبرد طولانی توده‌ای علیه دیکتاتوری، ما انقلابیون
لزوم حداکثر کوشش برای گسترش فعالیت سیاسی مستقل طبقه کارگر و خاق
را خاطر نشان می‌سازیم. بعبارت دیگر، نباید فریب اعلام خطرهای جناح‌های
بورژوازی خورد که در مبارزاتشان برای کسب موقعیت بهتر در درون حکومت
دیکتاتوری جهت کسب حمایت توده‌ای، بی‌شرمانه از طرح موضوعات دمکراتیک
درنگ نمی‌کنند. یکبار این جناح‌ها موقعیتشان را در حکومت بهبود بخشیدند
بر اساس حمایت توده‌ای - بار دیگر آنها مردم را تسلیم دشمن خواهند کرد.

تنها پرولتاریا می‌تواند یک نبرد منطقی برای دموکراسی را پیش برد و نبرد
در مقابل دیکتاتوری را به نتیجه نهائی اش برساند. در این نبرد جناح‌هایی از خورده
بورژوازی (جناح‌های چپ حزب دموکرات مسیحی) که خط مشی دموکراتیک
را دنبال می‌کنند باید جذب گردند. اما این مشی دموکراتیک نباید با نظرات
ظاهرأ دموکراتیک جناح‌های بورژوازی (مثل آنهایی که از فری دنباله روی
می‌کند) که فقط سعی در کسب موقعیت بهتری در درون حکومت دیکتاتوری
دادند و اصلاً بفکر سرنگونی آن نیستند، اشتباه گردد.

لذا سیاست صحیح سازمان دادن پرولتاریا و یک جنبش وسیع مقاومت
تحت همومونی پرولتاریاست. این جنبش باید از کشمکش درونی بورژوازی
استفاده کند، اما نباید ابتکار عمل تشکیلاتی و سیاسی را بدست بورژوازی
بسپارد. جنبش باید نیروهای اجتماعی، سیاسی، تشکیلاتی، اخلاقی و نظامی
را گرد هم آورده تا دیکتاتوری جبراً سرنگون گردد.

منظور از جنبش مقاومت توده‌ای، جنبش وسیع توده‌ای است که تمام
تشکل‌های طبقه کارگر و خلق را که می‌توانند در جنگ مقاومت مورد استفاده

* بجای Moral

قرار گیرند بهم پیوند می دهد. این تشکیلات از سازمانهای قانونی (اتحادیه ها) و سازمانهای صنفی و اجتماعی) و نیمه قانونی (کمیته های کمک به بیکاران، زندانیان سیاسی و غیره) تا کمیته های مقاومت زیرزمینی که مبارزه مقاومت را رهبری میکنند، متغیراند.

واحدهای اساسی جنبش مقاومت توده ای، کمیته های مقاومت هستند، تشکیلاتی مخفی که بوسیله پیشرفته ترین عناصر کارگری و توده ای تشکیل شده. آنها در حوزه ای، در محل کار، تحصیل و زندگی مردم سازمان یافته اند. این کمیته ها بابتکار کارگران پیشرفته تشکیل میشود که با خویشان، همسایگان، همکاران، و دانشجویان و غیره گفتگومی کنند و آنگاه از توجه شده ترین و مصمم ترین افراد کمیته ها را سازمان میدهند.

پروژه وسیعی از اتحاد نیروهای چپ عملاً در کمیته های مقاومت توده ای، در سطوح ابتدائی طی شده است، اما این وحدت در سطوح اولیه کافی نیست و لازم است که به یک پروژه اتحاد و فعالیت مشترک با همه احزاب چپ ارتقاء یابد. از آنجا که این اتحاد، نیروهای فزاینده جنگ علیه دیکتاتوری را تدارک می بیند و پروتاریای انقلابی مؤثرترین جناحی است که در آن شرکت دارد. همزمان، این اتحاد به توده هایی که هنوز تحت رهبری رفرمیست ها و سانتریست ها قرار دارند امکان خواهد داد که بر اساس تجارب خود نا پیگیری رهبران سنتی شان را تشخیص داده و ضرورت تقویت پیشروانقلابی را درک نمایند.

بعضی از احزاب چپ بطور سیستماتیک با تشکیل جبهه سیاسی مقاومت بدانگونه که بوسیله میر پیشنهاد شده مخالفت کرده اند. آنها به دنبال اتحاد با دموکرات مسیحی ها هستند نه با انقلابیون، از طرف دیگر از اواخر سال ۱۹۷۳ میر تشکیل یک جبهه متحد سیاسی مقاومت حول نکات اساسی زیر را مطرح کرده است:

(a) حزب کمونیست، حزب سوسیالیست، *Mapu. Mapu* کارگر-کشاورز، مسیحی چپ، رادیکال چپ، جناحهای چپ حزب دموکرات مسیحی و میر در این جبهه شرکت خواهند داشت (۱۳).

(b) : جبهه بر اساس خط و پلاتفرم مشترکی تشکیل خواهد شد - میر خط مشی خود را بعنوان مبنا مذاکرات پیشنهاد میکند.

(c) جبهه سیاسی مقاومت و وسیله سطوح پائین جنبش سازمان یافته مقاومت.



کنترل خواهد شد و باین وسیله به کارگران غیر وابسته این امکان داده خواهد شد که همچنان به فعالیت‌هایشان در جنبش مقاومت توده‌ای ادامه دهند، (d) هر سازمانی آزادی کامل در آژیتاسیون، سازماندهی و انتقاد از تمام مسائلی که مربوط به پلا تفرم مشترک نیستند، خواهند داشت.

بمیزانی که سطوح پائین احزاب چپ سنتی به آنها فشار وارد می‌آورند، و ادارشان خواهند کرد که جنبه سیاسی مقاومت را تشکیل دهند. مبارزه علیه دیکتاتوری تا حد زیادی پیش خواهد رفت. ضمناً، هر تأخیری در اتحاد چپ فقط بمعنی گرسنگی بیشتر - فقر بیشتر - شکنجه و مرگ برای طبقه کارگر خواهد بود. پیشرو انقلابی. میر. طی جنگ طولانی جنبش مقاومت توده‌ای ورهبری سیاسی آن، (جنبه سیاسی مقاومت) علیه دیکتاتوری، استحکام خواهد یافت، از این دوره میر از حالت يك هسته انقلابی کنونی بصورت حزب انقلابی پرولتاریای شیلی سربر خواهد آورد.

تبدیل میر به حزب انقلابی پرولتاریای شیلی یعنی پیوند تشکیلاتی با اکثریت کارگران پیشرو بهترین تضمین پیروزی اولاً در مبارزه علیه دیکتاتوری و سپس برای يك انقلاب پرولتاری است. میر اکنون وقف انجام این وظیفه شده است، امری که برای پیروزی پرولتاریا و خلق اساسی است. وظیفه همه کارگران آگاه و مسئول است که در این راه گام بردارند.

تشکیلات میر

میر حزبی است متشکل از کادرهای برگزیده، حزبی با تشکیلات سیاسی-نظامی که واحدهای پایه آن وسیله حوزه‌ها (در کارخانه‌ها، مدارس، محلات، گروه‌ها و غیره) تشکیل شده است. این واحدها از تعداد کمی از اعضای حزب که بهترین عناصر پیشرو پرولتری در هر حوزه هستند تشکیل شده‌اند. هر واحد پایه به صحیح‌ترین طریق ممکن پیشرفت می‌کند. بنحوی که می‌تواند بعنوان پیشرو توده‌ها در متنوع‌ترین شرایط (مثلاً در مبارزات صنفی، مبارزه سیاسی علنی، مبارزه مسلحانه و غیره) سودمند باشد. باین طریق، هر واحدی می‌تواند بیشترین استقلال داخلی ممکن را در انجام وظایفش داشته باشد، استقلالی که در شرایطی چون شرایط حاضر ضروریست.

گروه نسبتاً کوچکی از واحدهای مربوط بهم در یک منطقه یک GPM (واحد سیاسی-نظامی) را تشکیل می‌دهند که واحد اصلی میر بحساب می‌آید. این واحد ظرفیت سیاسی نظامی برای بعهدہ گرفتن تمام وظایف حزب در منطقه را در شرایطی با استقلال داخلی کافی داراست. حتی از استقلال مطلق برای موقعیتی که واحد موقتاً با سطوح بالاتر حزب ارتباط ندارد (موقعیتی که احتمالاً در طول درگیری‌های شدید مسلحانه پیش خواهد آمد) برخوردار است. در هر ناحیه، استان یا تعدادی از بخش‌ها کمیته‌های ناحیه‌ای تشکیل شده که واحدهای سیاسی نظامی آن منطقه را از لحاظ سیاسی، نظامی و تشکیلاتی

رهبری میکنند.

کمیته مرکزی، رهبری سراسری حزب را تشکیل میدهد که بعضی از اعضایش را برای تشکیل کمیسیون سیاسی انتخاب میکنند. بالاترین مقام حزب کنگره عمومی است که مشی سیاسی میر را تعیین میکند. کنگره عمومی در صورت ضرورت باید در برنامه و استراتژی حزب تجدید نظر نماید، کادر رهبری سراسری را ارزیابی و کمیته مرکزی و دبیر کل را تعیین نماید.

از اصل اساسی درون تشکیلاتی میرو-سانترالیسم دموکراتیک-در دوره هائی مثل دوره اخیر حمایت کامل میشود. تصمیمات بنحوی دموکراتیک اتخاذ میشوند اما زمانی که اتخاذ گردیدند باید بوسیله تمامی حزب پذیرفته شوند. بدون تردید، این روش های دموکراتیک باید متناسب با شرایط موجود باشد. مثلاً، جانشین کادر هائی که دستگیر و یا کشته می شوند بوسیله اعضای باقی مانده در همان سطح از رهبری صورت می گیرد، این عده بعد از مشاوره با اعضای بلافصل پائینی خود اعضای جدید را معرفی میکنند.

مقررات سختی برای ورود به میرو وجود دارد. اعضای آتی میر ابتدا بایستی وسیله واحد مسئول حوزه مربوطه پذیرفته شوند. واحد میر از رفیق میخواهد که بعنوان يك «هوادر» به سازمان پیوندد.

بعد از ۶ ماه کار بعنوان يك «هوادر»، (بعبارت دیگر بعد از پذیرش تمام وظایف يك عضو کامل بدون هیچگونه حق عضویت) عضو جدید، در صورتیکه ثابت شود که کیفیت يك عضو حزب را دارد به مرحله «کاندیدائی» ارتقاء می یابد.

در مقایسه با هوادر يك کاندیدا مسئولیتهای بیشتری دارد، اما همچنان از حقوق يك عضو کامل (یعنی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، شرکت در بحث ها و اخذ تصمیم در مورد سیاست حزب و غیره) برخوردار نیست. فقط بعد از طی موفقیت آمیز این دوره آزمایشی، شخص می تواند بعنوان يك عضو (رزمنده) میر پذیرفته شود، باین طریق میر با يك خط سیاسی صحیح، يك تشکیلات سیاسی نظامی لنینیست و کادرهای برگزیده، خود را بعنوان

هسته حزب انقلابی پرولتاریای شیلی می‌سازد.
هر روز بهترین زنان و مردان طبقه کارگر و خلق به صفوف ما می‌پیوندند و
پرچم سیاه و سرخ حزب ما و انقلاب پرولتاری را افراشته‌تر می‌سازند. آنها
جای خالی میگوئل انریکو و بسیاری از رفقای راکه بوسیله دیکتاتوری
بشهادت رسیده‌اند پر می‌کنند، و به سخنان چه گوارای چریک‌در شیلی واقعیت
می‌بخشند:

«هر جا که مرگ غافلگیرمان کند، مهم نیست
بشرطی که این، فریاد رزم‌مان، به گوش شنوایی برسد
و دست دیگری برای بکار بردن سلاح‌مان دراز شود...»

توضیحات

این بخش در متن اصلی بزبان اسپانیولی وجود ندارد و افزوده
مترجم انگلیسی آن است.

۱- میرمقررات و آئین نامه‌هایی برای تعیین تخلفات سیاسی و خطاها در درون تشکیلات وضع کرده است. مقررات میر در رابطه با میزان جرم تنبیهاتی اعمال میکنند که از اخطار به افراد تا مجازات‌های بزرگ را دربر می‌گیرد. ترك جبهه و فرار، از جمله مهمترین تخلفات بشمار می‌آیند. فرار خیانت بدطبقه کارگر و خلق شبلی محسوب میگردد و مجازات آن اخراج از حزب است.

چنانچه در مورد اعضای کمیته مرکزی آندرسن پاسگال آلدن Anderson pascal allende و نلسون گو تیدرز Nelson gutierrez که بعد از نبرد مالو کو Malloco (۱۵ اکتبر ۱۹۷۵). بدخارج پناهنده شده بودند حزب يك بررسی داخلی بعمل آورد. اعلام شد که: «چنانچه آنها صریحا مجبور بودند که کشور را ترک کنند، واقعا و برای زنده ماندن چاره دیگری نداشتند. در سطح رهبری کمیته خارجی حزب عضو آن خواهند بود. در بحث‌های کمیته مرکزی شرکت خواهند داشت و تا انتشار تصمیم نهائی کمیته مرکزی، تمام اطلاعات خود را در باره این حوادث و شرکت‌شان در آنها در اختیار خواهند گذارد. (شماره ۴ Chilean resistance courier و شماره ۱ Correo de la reistencia) کمیته مرکزی و هیئت سیاسی میر در ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۶ تصمیم نهائی‌شان را انتشار دادند و اظهار داشتند که: «هیچیک از رفقا علیه طبقه کارگر، خلق و حزب جرمی مرتکب نشده‌اند». هر دو دوباره بعنوان اعضای کمیته سیاسی

همچون مورد تأیید قرار گرفتند و آندرسن پاسکال آلوده بسمت دبیر کلی میرانتخاب گردید «که بنا به تصمیم سزب موقعی که رهبری آنرا مقتضی بداند به شیلی بر خواهد گشت» (شماره ۱۲۱، El rebelde en la clandestinidad) ارگان میر).

۲- رفرمیسم: گرچه يك پدیده همیشگی و معروف تاریخی است، رفرمیسم امروزی ریشه در اصول همزیستی مسالمت آمیز، تشنج زدائی Detente و گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم دارد. رفرمیسم بعنوان انحرافی در مارکسیسم، تکیه بر تفسیر مکانیکی و اکتونومیستی از تکامل تاریخی دارد، که از این دیدگاه سرمایه داری باید راه را به سوسیالیسم که پیشتر بر تریش را از نظر توده ها بعنوان يك سیستم اجتماعی نشان داده بسپارد. رفرمیسم در استراتژی خود بدنبال اصلاح دموکراسی بورژوائی است تا بنحو روزافزونی گنجانیدن نقش یابی گسترده تر طبقه کارگر و توده های خلقی در آن را توسعه دهد. از نظر رفرمیسم توسعه دموکراسی بورژوائی و تکمیل توسعه سرمایه داری قبل از پی گیری هر تغییری ضروری اند. این مفهوم، در شیلی به يك استراتژی اتحاد و همکاری نزدیک طبقه کارگر با بورژوازی صنعتی و بورژوازی متوسط و خورده بورژوازی تبدیل شده است. این بلوک اجتماعی با امپریالیسم، انحصارات چند ملیتی و اولیگارشی زراعی - عواملی که مانع رشد شیلی میشوند - مبارزه می کنند نه علیه سرمایه داری.

سانتریسم: یکی از فاکتورهای اصلی تشخیص سانتریسم ها، بعنوان يك گرایش سیاسی، عدم توانائی و عجز آنان در پیش برد عملی برنامه هائی است که نظراً آنرا پذیرفته اند. از این جهت آنان اغلب بین مواضع چپ انقلابی و رفرمیست ها نوسان می کنند. این ضعف سیاسی از بعضی از موقعیتهای عینی تاریخی ناشی می گردد که عبارتند از: ترکیب طبقاتی رهبری آنها، که عمیقاً در خورده بورژوازی ریشه دارد؛ تمایل ناشی از بوروکراسی؛ سالهای طولانی شرکت در پارلمان - های بورژوا دموکراتیک و غیره. آنها بطور مطلق نشانگر يك فاز گذر در جنبش طبقه کارگر از اولین مراحل رشد تدریجی، بجا و ضروری تشکیلاتی تا وضعیت نوین انقلابی و تصرف قدرت اند. سانتریسم همگام با تصریح هر چه بیشتر شرایط عینی فرومی ریزد و می تواند متحد مهمی در مبارزه انقلابی گردد.

۳- عملیات مستقیم که قبلا بخاطر شرایط رفرمیستی و اکونومیستی در شیلی شناخته نبود، اشکال برتر مبارزه طبقاتی اند که بوسیله طبقه کارگر تکامل یافته است و بعنوان مثال عبارتند از: تصرف زمین بوسیله دهقانان وحاشیه نشینان بی خانمان شهرها، تصرف کارخانه بوسیله کارگران و غیره. طی دوره اخیر حکومت دموکرات مسیحیها (۷۰-۱۹۶۸)، عملیات مستقیم، ضمن رادیکالیزه کردن جنبش توده‌ها، در سراسر کشور گسترش یافت. همزمان، میر یکسری عملیات را بانجام رساند که عبارتند از: مصادره بانکها، سوپرمارکتها و دیگر تأسیسات بورژوازی؛ این عملیات جدا از جنبش توده‌ای نبود، برعکس، حزب را در درون جنبش طبقه کارگر وتوده‌ها جای داد.

۴- اصطلاح کارگران غیر پرولتر وتوده‌های غیر پرولتر به ارتش ذخیره کار ونیمه پرولترهائی اطلاق میگردد که گاهی در تولید شرکت دارند و یا به فعالیت‌های غیر پرولتری می‌پردازند. توده‌های غیر پرولتر اغلب اشکال پنهانی بیکاری را بوجود می‌آورند وشامل هزاران نفر از کارگران فصلی که در شهرهای صنعتی زندگی میکنند، فروشندگان کنار خیابان، کارگران روزمزد، بطری جمع کن‌ها ودیگران میباشد. سطح دستمزد پرولترها تا حدی به وجود وتعداد کارگران شبه پرولتر بستگی دارد، باین ترتیب که هرچه تعداد آنها بیشتر باشد، دستمزدها کمتر خواهد بود. در کشورهای وابسته‌ای مثل شیلی، ارتش ذخیره کار بعنوان بخش برجسته‌ای در درون سیستم سرمایه‌داری وابسته، همیشه بزرگ‌است واز اینجهت موجب استثمار شدید طبقه کارگر میشود.

۵- برنامه خلق (Pliego del pueblo) پلانفرم مبارزاتی که وسیله Cordones industriales Comandos comunales (سازمانهائی که در نیمه دوم سال ۱۹۷۲ برای جلوگیری از سابتاژ مالکین تشکیل شده بودند) وسازمانهای نوپای دیگر، بعنوان پاسخی به برنامه شیلی (Pliego de chile) که وسیله بورژوازی واحزاب سیاسی آن در سال ۱۹۷۲ انتشار یافته بود، تنظیم گردید. وشامل اهدافی جهت بسیج برای انجام آنچه که در دوره دولت اتحاد ملی میباشد انجام میشود، بود؛ بگونه‌ای که مبارزه درراه آنها بمنزله ارتقاء وافزایش عظیم سطح آگاهی، رزمندگی وتشکیلات طبقه کارگر وکلاً خلق شیلی بود وبورژوازی وامیریالیسم را ایزوله وبورژوازی متوسط را خنثی و

خورده بورژوازی را جذب میکرد.

۶- به توضیح شماره ۱۰ مراجعه شود.

۷- برخلاف علوم اجتماعی بورژوازی، که فرماسیون اجتماعی- اقتصادی شیلی را توسعه نیافته تعریف میکند، میرشیلی را یک کشور سرمایه‌داری وابسته با رشد اقتصادی قهقرائی و نام‌وزون می‌داند. شیلی در رشد خود وابسته است و این وابستگی- مثل همه کشورهای امریکای لاتین- ساخت اقتصادی آنرا معین میکند. یکی از مسائل اساسی کشورهای وابسته ناتوانی آنان در تولید کالاهای سرمایه‌ای است. باین معنی که آنها باید این کالاها را از کشورهای که این تولیدات را با انحصار خود درآورده‌اند وارد نمایند. بخاطر وارد کردن تکنولوژی صنعتی و کالاهای سرمایه‌ای و نیز در رابطه با بازار جهانی سرمایه‌داری کشورهای وابسته باید قسمت بیشتری از تولیداتشان را صادر نمایند. باین منظور دستمزدها کارگران پائین نگه داشته میشود تا قدرت خرید آنان محدود و مصرف کاهش یابد. باین ترتیب استثمار شدید کارگران (خروج دائمی ارزش اضافی) و شکاف بین تولید و نیازهای مصرفی توده‌ها محورهای رشد وابسته است.

۸- حزب دموکرات مسیحی Partido Democraata cristiano

بخاطر درگیری درونی بورژوازی که مانع فراکسیون بورژوازی صنعتی تولیدکننده مراد مصرفی عام بازار داخلی، برای کنار زدن بورژوازی بزرگ تولیدکننده کالاهای لوکس با پتانسیل صادراتی بود، اعتبار ملی یافت. فری (Frei) با پلاتفرم بورژوائی رفرمیستی پوپولیستی‌اش در انتخابات ۱۹۶۴ پیروز شد. برنامه (انقلاب در آزادی- Revolncion eu libertad) پرسرو و صدای او یک «آلترناتیو» دموکراتیک برای انقلاب بود. و با اقداماتی مثل رفرم ارضی، کسب حمایت توده‌ای را هدف قرار داد. برنامه فری کمک به بورژوازی صنعتی و بورژوازی بزرگ وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی را ایجاد میکرد. در ۱۹۶۷- در مدت نیمه دوم حکومت فری- سیاستهای بورژوازی بزرگ، وقفه‌ای در صنایع کالاهای مصرفی توده‌ها ایجاد نمود و سطح زندگی توده‌های پرولتاریا و نیمه پرولتاریا و نیز اقشار تحتانی خورده بورژوازی را کاهش داد. همه اینها پیشرفت عظیمی در جنبش توده‌ای در شهر و روستا را سبب

که به همراه سه استهای فوری اقتصادی برانگیزنده، رادیکالیزاسیون سیاسی در شد آنها را ارتقاء داد. همزمان، تضاد بین بورژوازی بزرگ، از یکطرف، بورژوازی متوسط و خورده بورژوازی از طرف دیگر، ایجاد شکاف عمیق در سیستم حکومتی طبقاتی را تقویت نمود، سیستمی که همه آنها بآن متکی بودند. عدم توانایی طبقه حاکم در متحد کردن نیروهایش و معرفی یک کاندیدای واحد برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۷۰، تا حد زیادی محصول این وضعیت بود. پیروزی انتخاباتی اتحاد ملی باید در چارچوب همین وضعیت درک شود.

در دوره حکومت اتحاد ملی نیز فری رهبری جناح راست حزب دموکرات مسیحی (PDC) را به عهده گرفت، و آشکارا از کودتا حمایت نمود. ۹- Consejos comunales (شوراهای اجتماعی) تشکیلات اولیه طبقه کارگر و خلق بحساب می آیند که از طریق آنها، مستقیماً قدرت اقتصادی و سیاسی اعمال می گردد. شوراهای اجتماعی دو معرف تاریخی جداگانه دارند که عبارتند از شوراهای روسیه - تشکیلات کارگری که اساس حکومت شوراهای بودند و شوراهای اجتماعی که در دوره حکومت اتحاد ملی در شیلی توسعه یافتند. شوراهای کارگران از آن پروسه انقلابی که بذر قدرت توده ای آلترناتیو، در مقابل حکومت بورژوازی گردید دفاع نموده، آنرا پیش می بردند.

۱۱۹۱۰- لازم است که فرق بین کنترل کارگران و مدیریت کارگران را روشن کنیم. مدیریت کارگران هنگامی اعمال می شود که تولید سوسیالیزه شده، روابط سرمایه داری تولید (دارائی های شخصی) نابود شده و از اینجهت تولید وسیله خود کارگران طرح و رهبری می گردد. در بخشهای تولیدی که تحت مناسبات سرمایه داری باقی می مانند [فعالیت خصوصی]، تولید تحت کنترل کارگران باقی می ماند. باین معنی که کارگران فعالانه و قاطعانه در اجرای کار شرکت می نمایند و اشخاصی در باره اهداف تولید و نیز توزیع و بازاریابی برای تولیداتشان تصمیم می گیرند.

۱۲- بر فامه حزب انقلابی پرولتاریای شیلی بر شماری ساده، خصوصیات، فضیلتها و خرد جامعه ای که می خواهد بنا نماید نیست. بلکه، همانطور که لنین گفته است «جوهر این برنامه سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و ساختمان

جامعه سوسیالیستی است (برنامه‌ها)». فقط يك برنامه حزب انقلابی پرولتاریای شیلی وجود دارد؛ این برنامه با آلترناتیوهای هر دوره یا بحران مبارزه طبقاتی تغییر نمی‌کند، مگر در حدی که تجربه سیاسی طبقه کارگرو حزب بعضی از مسائل را بوضوح بیشتری روشن کند و ما را بنحو بهتری برای فرموله کردن آنها هدایت نماید. چنین برنامه‌ای، راهنمای عملی برای دوره‌ها و بحران‌های مختلف مبارزه طبقاتی میشود؛ و بخشی از آموزش سیاسی و آگاهی انقلابی پرولتاریا و متحدانش است، اما اهداف واقعی هر دوره یا بحران که باید بآنها نائل آمد را نشان نمی‌دهد. این نقش بعهدہ پلاتفرم مبارزاتی حزب است. در هر دوره مبارزه طبقاتی، حزب انقلابی اهدافی را که طی آن دوره باید بآنها نائل آید، تعیین می‌کند که در برگیرنده موارد زیر است:

(a) بنای اتحاد طبقاتی بگونه‌ای که در برنامه‌اش بیان شد. (b) رسیدن به سطح بالاتری از آگاهی، تشکیلات و رزمندگی در جناح‌های اجتماعی مختلف اتحاد، وارد کردن آنها به عرصه سیاسی و تبدیل آنان به یک نیروی اجتماعی انقلابی؛ (c) کسب هژمونی وسیله پرولتاریای انقلابی در اتحاد اجتماعی، بخاطر تبدیل آن بر نیروی اجتماعی انقلابی، نکات فوق‌گرفته ممکن است بروشنی بیان نشده باشند، پایانی است که پلاتفرم مبارزه بدنبال آنست.

۱۳- احزابی که جبهه سیاسی مقاومت را تشکیل میدهند همان احزابی هستند که اتحاد ملی و جناح‌های دموکراتیک و چپ حزب دموکراتیک مسیحی را بوجود آوردند و عبارتند از؛

Partido Radical (حزب رادیکال - P. R) در سال ۱۸۶۳ وسیله Pedro Leon Gallo و Manuel Antonio Matta اعضای جامعه ماسونی LA Igualdad (برابری) تأسیس یافت. این حزب اساساً از آزادی‌مذهب، آموزش بدون نفوذ مذهب و جدائی کلیسا و حکومت دفاع میکرد. و خورده بورژوازی و همچنین بورژوازی صنعتی نوظهور را نمایندگی می‌نمود. در سال ۱۹۰۶ (PR) برهبری Valentin letelier مشی رفرمیستی خورده بورژوائی اختیار نمود. این حزب در کنار نمایندگی خورده بورژوازی و بورژوازی صنعتی، از منافع ملاکین جنوب شیلی نیز دفاع می‌نمود. بارشد

صنایع ملی در سالهای ۱۹۳۰ (PR) به نیروی سیاسی عمده تبدیل شد. پرزیدنت «سردا» A. Cerda (۴۱-۱۹۳۸)، ریوز A. rios (۴۶-۱۹۴۲) و گونزالس ویدلا اعضای آن بودند.

در طول سالهای ۱۹۵۰ PR رو بس انحطاط نهاد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۵۸ فقط ۱۵/۴٪ آرا و در سال ۱۹۶۴ ۴/۹۹٪ آرا را بدست آورد در سال ۱۹۶۴ عناصر مترقی تر حزب موفق شدند آنرا، با ائتلاف اتحاد ملی پیوند دهند. PR در ۱۹۷۰ تجزیه گردید و موجب ظهور حزب علناً ارتجاعی و ضد خلقی (دموکراسی رادیکال - DR) Democracia Radical شد در ۱۹۷۲ PR دوباره تقسیم شد و اینبار نتیجه تقسیم ایجاد (حزب رادیکال چپ - PIR) Partido De Izquierda Radical بود که حزب اخیر از اتحاد ملی و دولت خارج شد تا به «جبهه دموکراتیک» مرکب از حزب مترجع ناسیونال، Dr، Pec، و Pir پیوندد. (حزب کمونیست Pc) Partido Comunista: منشاء این حزب جنبش کارگری است که از اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن بیستم آغاز شد. در ۴ جولای ۱۹۱۲ لوئیس امیلیو رکا بارن Luis Emilio Reca Barne (حزب کارگران سوسیالیست Partido Obrero Soialista (P. o. s) را بنیاد نهاد. در ۱۹۲۲ Pos تبدیل به حزب کمونیست شد، از بد تاسیس کارگران سازمان یافته را نمایندگی میکرد. این حزب از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۸ در دولت های ائتلافی اتحاد ملی شرکت نمود. در پایان این دوره گونزالس ویدلا قانون «دفاع از دموکراسی» Ley de Defensa de la Democracia را از تصویب گذارند که موجب غیرقانونی شدن حزب Pc شد و تعداد قابل ملاحظه ای از رهبران و رزمندگان آن - از جمله لوئیس کورو الان و اولویا تیتلبویم V. Teitelboim را بزندان انداخت. این قانون در سال ۱۹۵۸ ملغی گردید و حزب کمونیست یکبار دیگر قانونی شد. این حزب در چند ائتلاف انتخاباتی شرکت نمود از جمله در:

Frente Popular (۱۹۳۸) Frente Del Pueblo (جبهه خلق ۱۹۵۲)
FRAP (۱۹۵۳ - ۱۹۶۵) و اتحاد ملی (از ۱۹۶۹ تا کودتا). حزب
کمونیست از احزاب چپ سنتی بانفوذ و از نظر تاریخی رفرمیست بوده است
(حزب سوسیالیست - Ps) Partido Socialista - در ۱۷ آوریل ۱۹۳۳

تأسیس شد و نتیجه ترکیب ۵ گروه سوسیالیست و افسران ارتشی حامی جمهوری سوسیالیستی کوتاه مدت (۱۲ روزه) مارمادوگ گرو Marmaduke Grov بود این حزب همیشه حزبی ترکیبی ناهمگون بقرا از زیرداشته است: کارگران متشکل شهری، کارگران «سفید پوست»، خورده بورژوازی، پیشه‌وران و روشنفکران. این ترکیب همواره موجب تجزیه مداوم و تکه تکه شدن حزب بود. حزب سوسیال - لیست مانند حزب کمونیست در چند جبهه شرکت نمود؛ و گرچه در حرف بیشتر چپ است تا فرمیست، مشخصاً تمایل سانتریستی دارد.

جنبش عملیات متحد Movimiento De Accion Popular Unitaria، Mapu (در مه ۱۹۶۸ با جدائی يك جناح مترقی از Pdc تشکیل گردید که بعداً به اتحاد ملی پیوست، Mapu اساساً سانتریست بود و بتدریج رادیکال شد. بعد از انتخابات پارلمانی ۱۹۷۳ جناح‌های فرمیست اتحاد ملی MAPU را مجبور کردند که به دو حزب تقسیم شود. یکی از دو جناح، جناح رادیکال تر، نام اصلی را حفظ نمود که به نام دبیر کل خود Garreton نیز خوانده می‌شود (MAPU گارتون) و دیگری نام Mapu - obero - Campesino (Mapu) - کارگر - کشاورز را بر خود نهاد که به (Mapu، Gasmuri) نیز معروف است. Izquierda Cristiana (مسیحی چپ IC) نتیجه دومین انشعاب اصلی در Pdc است در جولای ۱۹۷۱ موقعی که راست روی Pdc آشکار شد تأسیس گردید و فوراً به ائتلاف اتحاد ملی پیوست.

۵۰ ریال

انتشارات
چهارک
تهران - خیابان انقلاب بازارچه کتاب

دیجیتال کننده: نینا پویان